

بسمه تعالی  
مجلس شورای اسلامی  
دوره دوم - سال اول  
۱۳۶۴ - ۱۳۶۵

شماره ترتیب چاپ ۵۰۹

شماره دفتر ثبت ۲۱۲

شماره ۱۰۱۲۱۲

تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۷

برادر گرامی حجت الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی  
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

" لایحه اصلاح قوانین آئین دادرسی کیفری " و اصلاحات و ملحقات آن که بنا به  
پیشنهاد شماره ۱۵/۲۹۱۹ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۳۰ دادگستری جمهوری اسلامی ایران در  
جلسه مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۱ هیات وزیران به تصویب رسیده است به پیوست تقدیم و تقاضای  
تصویب آنرا دارد .

نخست وزیر

میرحسین موسوی

" لایحه اصلاح قوانین آئین دادرسی کیفری "  
و اصلاحات و ملحقات آن

ماده واحده - بموجب این قانون در قانون آئین دادرسی کیفری و اصلاحات آن  
و مواد الحاقیه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۲ مهرماه ۱۳۱۲ با اصلاحات بعدی  
و فصل ششم از قانون " بقیه مواد لایحه اصلاح قسمتی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری  
" مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ و مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری ( اول  
مرداد ماه ۱۳۳۷ ) و قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنائی مصوب ۲ خرداد  
ماه ۱۳۳۹ و قانون اصلاح پارهای از قوانین دادگستری مصوب ۲۵ خردادماه ۱۳۵۶ و نیز  
قانون اصلاح موادی از آئین دادرسی کیفری مصوب شهریور ۱۳۶۱ ، بشرح زیر برخی از

مواد اصلاح و چند ماده متبصره و کلمات یا عباراتی الحاق و کلمات و یا عباراتی جایگزین بخشی از کلمات یا عبارات موجود می شوند و مواد تبصره ها و کلمات و یا عباراتی حذف یا نسخ میگردند .

الف - مواد زیر اصلاح یا الحاق میشوند .

۱- مواد ۱ تا ۶ و ۸ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۷ و ۱۷۲ و ۱۸۰ و ۲۰۱ و ۳۱۲ و تبصره آن و ۳۱۳ و ۳۱۴ و تبصره آن و مواد ۴۶۷ و ۴۸۰ و ۴۸۷ قانون آئین دادرسی کیفری و اصلاحات آن بشرح زیر اصلاح میشوند و مواد ۶۶ و ۳۲۱ درمحل مادتهای اخیر که قبلا ملغی شده اند ، و نیز یک ماده بعنوان ماده ۳۱۱ به قانون آئین دادرسی کیفری الحاق میشود .

ماده ۱ - آئین دادرسی کیفری مجموعه اصول و قواعد و ترتیباتی است که برای کشف و تعقیب جرم و تعیین مسوولیت مجرمین و اجرای احکام جزائی براساس قوانین و مقررات اسلامی وضع شده است .

ماده ۲ - جرم میتواند دارای دو جنبه باشد .

اول - جنبه الهی و عمومی ، از جهتی که تعدی به حدود الهی و مخل نظم و حقوق عمومی است .

دوم - جنبه خصوصی از آن جهت که راجع به تضرر شخص یا اشخاص یا هیات معینی است .

بنابراین جرمی که دارای دو جنبه است موجب دو ادعا میشود .

الف - ادعای عمومی برای حفظ حدود الهی و نظم و حقوق عمومی .

ب - ادعای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان شخصی .

ماده ۳ - اقامه دعوی و تعقیب مجرم یا متهم از حیث حقوق الهی و عمومی برعهده دادسراست و اقامه دعوا از حیث ضرر و زیان شخصی برعهده مدعی خصوصی است ، مستثنیات این ماده در مواد آتی مطرح است .

ماده ۴ - در اعمال خلافی و تخلفات ، تعقیب جنبه عمومی جرم به عهده باطنین

دادگستری و مامورینی است که به ترتیب مقرر در قانون به نمایندگی دادستان اقدام مینمایند. لکن اگر جنبه عمومی جرم حائز اهمیت نباشد، تعقیب امور موکول به شکایت متضرر از جرم است.

ماده ۵- جرائم از لحاظ جنبه عمومی بردونوع است.

۱- جرائمی که جنبه الهی و عمومی آن دارای اهمیت مخصوص است.

۲- جرائمی که هر چند جنبه عمومی دارد ولی اهمیت آن از حیث نظام کشوری و آسایش عامه به درجه جرائم نوع اول نیست.

ماده ۶- در جرائم نوع اول دادستان مکلف به تعقیب دعوای عمومی است، چه شاکی خصوصی اقامه دعوی کرده یا اقامه دعوی نکرده باشد در جرائم نوع دوم دادستان تعقیب نمی نماید مگر اینکه شاکی شکایت کرده، یا مرجع یا مقامی که تعقیب موکول به درخواست یا اجازه اوست، این تقاضا را نموده یا این اجازه را داده باشد.

ماده ۸- تعقیب جرم و اجرای حکم مجازات در موارد ذیل موقوف میشود.

۱- بواسطه فوت متهم یا مجرم.

۲- در مورد بیکه متهم یا مجرم به علل روانی مطابق قانون فاقد مسولیت جزائی شناخته شود، ولی هرگاه عارض روانی مذکور پس از وقوع جرم رخ داده و بعداً رفع شده باشد متهم تعقیب و یا مجازات اجرا خواهد شد.

۳- در صورت گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، در موارد بیکه تعقیب کیفری منوط به شکایت متضرر از جرم است.

۴- در مورد عفو عمومی.

۵- در صورتیکه قانون لاحق عمل سابق را جرم ندانسته یا قابل مجازات نداند.

ماده ۱۱- به ادعای خصوصی تا زمانیکه متضمن جرم نباشد در دادگاه کیفری رسیدگی نخواهد شد.

ماده ۱۳- در صورتیکه دعوای عمومی در دادگاه کیفری منتهی به صدور حکم برائت متهم یا قرار موقوفی تعقیب شود دادگاه مزبور مکلف است به دعوای خصوصی نیز رسیدگی کرده و رای صادر نماید.

ماده ۱۸- ضابطین دادگستری مامورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان یا سایر مراجع قضائی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم بموجب قانون اقدام مینمایند و عیار تند از

۱ - پلیس قضائی .

۲ - کلانتران شهربانی و افسران پلیس راهنمایی و رانندگی .

۳ - فرماندهان پاسگاههای ژاندارمری و افسران پلیس راه فرماندهان سایر واحدهای ژاندارمری .

۴ - افراد پلیس شهربانی ، راهنمایی و رانندگی و ژاندارمری .

۵ - روسا و معاونین زندان نسبت به جرمی که در زندان اتفاق میافتد .

۶ - مامورینی که بموجب قوانین خاص در حدود وظایف خود ضابط دادگستری محسوبند .

ماده ۱۹ - ضابطین دادگستری از حیث انجام وظایف مقرر در ماده ۱۸ تحت ریاست دادستان میباشد ، و مکلفند دستورات مقامات قضائی را اجرا نمایند . متخلفین از طرف دادستان در دادگاه کیفری دو تعقیب و بما نفضال یا محرومیت از یک ماه تا شش ماه از خدمت دولت یا سازمانهای کشوری محکوم خواهند شد .

ماده ۲۰ - ضابطین دادگستری همین که از وقوع جرمی مطلع شدند فوراً مراتب را به دادسرا یا دادگاه صلح مستقل اعلام و تا موقع مداخله دادستان یا بازپرس و جانشین بازپرس کلیه اقدامات لازم را برای حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم جرم و جلوگیری از فرار متهم انجام میدهند و نیز تحقیقاتی را که برای کشف جرم لازم باشد بعمل میآورند و پرونده مقدماتی را با گزارش مشروح جریان امر ، حسب مورد به یکی از دو مرجع مزبور ارسال میدارند .

تبصره - ضابطین دادگستری مکلفند در هر ماه صورت مشروح پروندههایی را که ظرف یکماه یا بیشتر از تاریخ تشکیل به هر علتی تکمیل نگردیده و به مراجع قضائی ارسال نشده است ، با ذکر علت به دادسرا یا دادگاه صلح مستقل گزارش دهند .

ماده ۲۷ - قواعد مقرر در این قانون راجع به کمیسرها و نظمی ، شامل دیگر ضابطین دادگستری و قواعد ناظر به مستنطق یا مدعی العموم شامل رئیس دادگاه صلح مستقل یا قائم مقام او نیز خواهد بود .

ماده ۶۶ - در مواردی که تعقیب امر جزائی منوط به شکایت شاکی خصوصی است و متضرر از جرم محجور باشد ، در صورت عدم دسترسی به ولی یا قیم و نیز در صورتیکه نصب قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور باشد حسب مورد تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتیکه ولی یا قیم شخصا مرتکب عمل شده یا مداخله در

جرم داشته باشد ، دادستان موقتا کسی را بعنوان قیم اتفاقی تعیین میکند ، تعقیب امر جزائی موکول به تقاضای قیم اتفاقی است .

ماده ۱۷۲ - مرجع شکایت از قرارها دادگاه کیفری دو است . رسیدگی درجلسه داری ، خارج از نوبت بدون حضور دادستان بعمل خواهد آمد .

ماده ۱۸۵ - هرگاه دادگاه جزا بعلت کافی نبودن دلیل رای بر منع تعقیب متهم صادر نماید ، متهم را بار دیگر نمیتوان به همان اتهام تعقیب کرد ، مگر بعد از کشف دلائل جدید که در اینصورت نیز فقط برای یک مرتبه میتوان متهم را با اجازه دادگاه مزبور تعقیب نمود هرگاه دادگاه تعقیب مجدد متهم را تجویز نماید باز پرس رسیدگی کرده و قسرار مقتضی صادر می نماید .

ماده ۲۰۱ - حل اختلاف در صلاحیت بین محاکم کیفری طبق قوانین محاکمات حقوقی است .

تبصره ۱ - مرجع حل اختلاف بین دادگاههای انقلاب و نظامی و دیگر دادگاههای دادگستری ، باهم ، دیوان عالی کشور است .

تبصره ۲ - حل اختلاف بین دادرها تابع قواعد حل اختلاف دادگاههای همان دادرهاست .

ماده ۳۱۱ - چنانچه ضرر و زیان ناشی از جرم مورد مطالبه مدعی خصوصی در جرائمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاههای کیفری دو میباشد ، زائد بر مبلغ دو میلیون ریال تمام باشد در اینصورت دادگاه کیفری ۲ ضمن رسیدگی به اصل جرم ، به موضوع ضرر و زیان نیز رسیدگی خواهد کرد و در اینگونه موارد نیابستی در مورد ضرر و زیان قرار عدم صلاحیت صادر نماید .

ماده ۳۱۲ - هرگاه دادگاههای کیفری چه قبل از تعیین وقت رسیدگی و چه بهمنگام محاکمه تشخیص دهند که بعلت گذشت شاکی خصوصی در موارد قابل گذشت بودن یا جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نیست یا دادگاه صالح به رسیدگی نمیشد ، یا تحقیقات ناقص است ، یا ایراد رد دادرس شده است ، حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا عدم صلاحیت یا تکمیل تحقیقات یا رد یا عدم قبول ایراد صادر میکند .

تبصره ۱ - در مورد تغییرات در حوزه بندیهای دادگاهها تاریخ صدور کیفرخواست ملاک عمل است و دادگاههاییکه کیفرخواست به آنها تقدیم شده است صالح به رسیدگی خواهند بود .

ماده ۳۱۳ - در کلیه امور جزائی متهم میتواند حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب نماید، عدم حضور یک یا هر دو وکیل بدون عذرموجه مانع رسیدگی نیست، وقت دادرسی به متهم و دادستان و وکلای مدافع طرفین ابلاغ میشود.

تبصره - طرفین چه حاضر باشند و چه نباشند، هر کدام حق انتخاب دو وکیل برای مواضع دارند.

ماده ۳۱۴ - وکالت و تعیین و معرفی وکیل در دادگاههای کیفری یک و دو اختیاری است و مدعی خصوصی و متهم در هر مرحله‌ای از رسیدگی میتوانند وکیل خود را به دادگاه معرفی نمایند.

تبصره ۱ - متهم میتواند از دادگاه تقاضا کند وکلیلی برای او تعیین نماید. هرگاه دادگاه احراز نماید، متهم امکانات و توانائی انتخاب وکیل را ندارد، از میان وکلای مجاز حوزه قضائی دادگاه و در صورت نبودن وکلیلی در آن حوزه از نزدیکترین حوزه مجاور وکلیلی برای متهم تعیین میکند وگرنه درخواست متهم را رد مینماید، اقدامات وکیل مجائسی است مگر اینکه درخواست تعیین حق الوکاله نماید، که دادگاه میزان حق الوکاله وکیل را متناسب با کار تعیین مینماید. بهر صورت این میزان نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. مبلغ مذکور از ردیف مربوط در بودجه دادگستری پرداخت خواهد شد.

تبصره ۲ - تقاضای تغییر وکیل تسخیری از طرف متهم جز در موارد مذکور در ماده ۲۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی پذیرفته نیست.

ماده ۳۲۱ - در جرائم مربوط به حق الناس هرگاه متهم یا وکیل او در هیچیک از جلسات دادگاه حاضر نشده و لایحه دفاعیه نفرستاده باشند، حکم غیابی است و ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض است. رسیدگی به اعتراض در دادگاه صادرکننده حکم غیابی به عمل می‌آید.

تبصره - هرگاه متهم در جلسه دادرسی حاضر بوده و دفاع نموده باشد ولی در فاصله تنفس یا ادامه دادرسی بدون عذرموجه غائب شود، دادگاه رسیدگی را ادامه خواهد داد. حکمی که صادر میشود حضوری است.

ماده ۴۶۷ - اشخاصیکه حق درخواست اعاده دادرسی دارند از قرار ذیل میباشند.

۱ - محکوم علیه و در صورت فوت او وراث قانونی وی.

۲ - دادستان دادگاه صادرکننده حکم.

۳ - دادستان کل کشور.

۴ - مدعی یا شاکی خصوصی با شرایط مذکور در بند ششم ماده ۴۶۶  
ماده ۴۸۵ - چنانچه محکومیت کیفری تعزیری از نوع جزای نقدی باشد و محکوم علیه  
از اجرای حکم امتناع نماید، دادستان میتواند با فروش اموال او حکم را اجراء نماید و یا  
تا استیفاء وجوه مزبور محکوم علیه را بازداشت نماید. در صورتیکه محکوم علیه به موجب  
حکم دادگاه صادرکننده حکم کیفری معسر شناخته شود و یا حکم به تقسیط صادر گردد، از  
زندان آزاد میشود و هر وقت مالی از او بدست آید، جزای نقدی از آن استیفاء خواهد  
شد.

ماده ۴۸۷ - مدت کلیه حبسها از روزی شروع میشود که محکوم علیه بموجب حکم  
قطعی قابل اجراء محبوس شده باشد، لیکن اگر محکوم علیه قبل از صدور حکم بعلمت اتهام  
یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد، حداقل بهمیزان بازداشت  
قبلی باید در حکم تعزیری از مجازات کاسته شود.

۲ - مواد ۲۸۴ مکرر و ۲۸۵ ( بعنوان ماده ۲۸۶ ) و ۲۸۷ قانون اصلاح موادی از  
آئین دادرسی کیفری مصوب شهریورماه ۱۳۶۱، اصلاح و یک ماده بعنوان ماده ۲۸۵ به  
قانون مزبور الحاق میگردد.

ماده ۲۸۴ مکرر - دیوانعالی کشور در صورت نقض حکم یا قرار دادگاه کیفری یک  
تجدید رسیدگی را به دادگاه صادرکننده رای و یا دادگاه دیگر ارجاع خواهد نمود.

ماده ۲۸۵ الحاقی - دادگاه کیفری یک در مقام رسیدگی تجدیدنظر با توجه به اوضاع  
و احوال و ادله میتواند حکم یا قرار دادگاه کیفری دو را تأیید یا فسخ کند. در صورت  
فسخ خود ماهیتا رسیدگی و انشاء رای مینماید. رای صادر قطعی است.  
ماده ۲۸۵، به ماده ۲۸۶ تبدیل و بشرح زیر اصلاح میشود.

ماده ۲۸۶ - نظریات دادگاه کیفری یک نسبت به جرائم مندرج در ماده ۱۹۸ اعم  
از آنکه طرفین دعوی یا دادستان دادگاه اعتراض کرده باشند یا نه، در دیوانعالی کشور  
مطرح و مورد رسیدگی شکلی قرار خواهد گرفت.

ماده ۲۸۷ - رئیس دادگاه کیفری یک پس از رسیدگی و محاکمه متهم و مطالعه پرونده  
و نظریه مشاور نسبت به جرائم مذکور در ماده ۱۹۸ بدون انشاء رای اعم از براءت یا محکومیت  
بدوا نظر و استنباط قضائی خود را بطور کتبی موجهه به دیوانعالی کشور ارسال میدارد.

دیوان عالی کشور با ملاحظه نظریه دادگاه و رسیدگی شکلی به پرونده چنانچه نظریه را صحیح و موجه تشخیص داد، آنرا تنفیذ و پرونده را اعاده مینماید تا رئیس دادگامانشا؛ حکم نماید حکم صادر بجز موارد مذکور در ماده ۲۸۴ قطعی است .

ب - به مواد آتی کلمات یا عبارات یا تبصره های زیر الحاق میشود .

به ماده	کلمه ، عبارت ، تبصره	متنی که الحاق میشود .
۷	پس از کلمه شرکت	یا معاونت
۲۳	تبصره	در مورد جرائم مشهودی که رسیدگی بمآن از صلاحیت دادسرا و دادگاه محل خارج است دادستان و بازپرس محل مکلفند کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحاء اثرات جرم و فرار متهم و هر تحقیقی که برای کشف جرم لازم بدانند ، بعمل آورند و سریعاً نتیجه اقدامات خود را به دادسرا یا دادگاه صالح اعلام دارند .
۹۲	تبصره	هرگاه در محلی که از آن بازرسی بعمل میآید کسی نیابد و بازرسی نیز فوریت داشته باشد بازپرس میتواند با قید مراتب در صورت جلسه دستور بازگردن محل را بدهد .
۹۹	تبصره	کنترل مکالمات تلفنی در مواردی که برای کشف جرم لازم باشد باید با اجازه مقام قضائی صلاحیتدار بعمل آید .
۱۳۶ مکرر	تبصره ۲	رسیدگی دادگاه در کلیه موارد مذکور در این بحث در جلسه اداری خارج از نوبت بعمل میآید . تصمیم دادگاه قطعی است .



۱۳۶ مکرر	تبصره ۳	<p>اگر قرار منع یا موقوفی تعقیب یا حکم برائت متهم صادر شود.. دیگر وجه التزام یا وجه الکفاله یا وثیقه وصول یا ضبط نمیشود و اگر وصول یا ضبط شده باشد مسترد میگردد هرگاه محکوم علیه متخلف فقط به جزای نقدی و ضرر و زیان مدعی خصوصی محکوم شده و مجموع محکوم به کمتر از تأمین ماخوذه باشد فقط تا میزان محکومیت وی از وثیقه ضبط یا از وجه التزام یا از وجه الکفاله وصول خواهد شد.. و در این صورت حکم اجرا شده محسوبست در صورتیکه متهم یا محکوم علیه تخلف نکرد و در مواعد مقرر حاضر شده باشد بمحض شروع بها اجرای حکم جزائی یا قطعی شدن قرار تعلیق اجرای مجازات قرار تأمین ملغی الاثر میگردد .</p>
۱۶۲	تبصره ۱	<p>قراره‌های بازپرس باید موجه و مدلل باشد . در قرار مجرمیت نکات زیر باید صریحا قید شود . ۱- نام و نام خانوادگی ، شهرت ، نام پدر ، سن ، شغل ، محل اقامت و نوع اتهام . ۲- شرح وقوع جرم و تاریخ و محل آن . ۳- تعداد جرائم ( در صورت تعدد ) . ۴- دلائل اتهام . عدم رعایت نکات مزبور موجب تعقیب انتظامی تا درجه ۴ خواهد بود .</p>
۱۶۲	تبصره ۲	<p>چنانچه پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی دلائل و مدارک موجود در پرونده کافی برای مجرمیت متهم نبوده ولی مورد از موارد تحلیف باشد دادسرا بدون اظهار نظر پرونده را به دادگاه صالح ارسال میدارد . در این صورت دادگاه پس از تحلیف بدون اینکه نیاز به تنظیم</p>

کیفرخواست یا اعاده پرونده به دادسرا باشد سه آن رسیدگی خواهد نمود. از قبیل .

۱- مواردیکه مشتکی عنه ادعای شاکی را انکارمینماید و شاکی فاقد دلیل و بینماست و از منکر درخواست سوگند دارد .

۲- اختلاف ولی دم و قاتل در اینکه قتل در حالت بلوغ و عقل قاتل واقع شده و یا قتل قبل از بلوغ و یا قبل از رفع حجر بوده است که در این صورت قاتل باید به درخواست ولی دم قسم بخورد .

۳- چنانچه مباشر قصاص، بیشتر از جنایت وارده قصاص کرد باشد و جانی مدعی شود که مباشر قصاص تعمد داشته است و قصاص کننده منکر عمد باشد، که در این حال قصاص کننده باید به درخواست جانی قسم یاد کند .

۴- در صورتیکه دونفر گواهی به عملی دهند که عادتاً موجب قتل میشود و جانی منکر استناد مرگ مقتول بعمل خود باشد، که در این صورت باید به درخواست مدعی قسم یاد کند .

۵- چنانچه در اثر ضربه خطائی ضارب، زن حامل سقط جنین کند و ولی چنین ادعا نماید که مابین ضربه بعد از دخول روح بوده است و جانی منکر این امر باشد که در این صورت باید به درخواست ولی جنین قسم یاد کند .

۶- اختلاف در عود بینائی که اگر مجنی علیه منکر عود باشد باید به درخواست جانی قسم یاد کند .

۷- در موضوع بندب ماده ۳۳ و نیز ماده ۳۴ قانون حدود و قصاص و ماده ۱۵۷ قانون دیات .

۸- در خصوص لوٹ از قبیل موارد مندرج در مواد ۳۵ و ۳۶ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ قانون حدود و قصاص و مواد ۱۶۴ و ۱۶۹ و ۱۷۱ و ۱۷۷ قانون دیات .

<p>درمواردیکه طبق قانون متهم بایستی از مجازات معاف شود دادستان به جای کیفرخواست، تقاضای معافیت متهم را از تحمل مجازات می نماید .</p>	<p>تبصره</p>	<p>۱۷۰</p>
<p>یا قصاص، یا دیه، یا حد .</p>	<p>پس از کلمه حبس</p>	<p>۲۱۶ (بند ۲)</p>
<p>هرگاه تحقیق دیگری نیز لازم باشد، دادگاه رسیدگی کننده میتواند، جهت انجام تحقیقات به دادگاه محل نیابت قضائی بدهد .</p>	<p>تبصره</p>	<p>۲۲۷</p>
<p>دادگاه کیفری دو، پس از اعلام ختم دادرسی بایستی ظرف یک هفته رای خود را اعلام نماید .</p>	<p>تبصره</p>	<p>۲۷۱</p>
<p>پنجم - در مورد بند ۲ ماده ۶ قانون مجازات اسلامی . ششم - هنگامیکه شاکی یا مدعی خصوصی با ارائه ادله و اسناد جدید مدعی گناهکاری منتهی باشد که براءت حاصل کرده است .</p>	<p>عبارت "</p>	<p>۴۶۶ "</p>
<p>مرجع درخواست و رسیدگی اعاده دادرسی، دادگاه صادرکننده حکم است .</p>	<p>تبصره</p>	<p>"</p>
<p>هرگاه متهمی اقرار به ارتکاب جرمی نموده و اقرار او صریح و موجب هیچگونه شک و شبهه ای نباشد و قرائن و امارات نیز موید این معنی باشند، دادگاه میباید به صدور رای مینماید، مگر در مواردی که بایک اقرار جرم ثابت نمیشود. در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض یا ادله دیگر، دادگاه شروع به تحقیقات از شهود و متهم نموده و به ادله دیگر نیز رسیدگی مینماید .</p>	<p>تبصره</p>	<p>۲۵ فصل ششم از قانون "بقیه" مواد لایحه اصلاح قسمتی از مواد ..."</p>

<p>جهات شرعی</p>	<p>پس از عبارت "مواد قانونی عبارت"</p>	<p>۲۹ فصل ششم از قانون "بقیه مواد"</p>
<p>یا تعلیق مجازات</p>	<p>پس از عبارت "بر برائت" عبارت</p>	
<p>درموقع اعلام رای چنانچه متهم به هر علتی حضور نداشته باشد رای صادره برای ابلاغ به نشانی او ارسال میشود .</p>	<p>آخر ماده عبارت</p>	
<p>هرگاه در محلی دادگاه کیفری یک تشکیل نشده باشد ، رسیدگی به جرائم آن محل که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است ، با نزدیکترین دادگاه کیفری یک حوزه قضائی همان استان خواهد بود .</p>	<p>تبصره</p>	<p>۱۹۶ قانون اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب شهریور ۱۳۶۱</p>
<p>هم - جرمی که کیفر آن نصف دیه هر یک از مواردش گانه مندرج در ماده ۳ قانون دیات و یا بالاتر باشد . اعم از عمد یا شبیه عمد و یا خطا محض .</p>	<p>(بند) ه</p>	<p>۱۹۸ قانون اصلاح . . .</p>
<p>تبصره ۱- رسیدگی به درخواست تجدید نظر نسبت به احکام و قرارهای دادگاه کیفری یک ، از خصائص دیوانعالی کشور نسبت به احکام و قرارهای کیفری دو ، در صلاحیت کیفری یک محل و در صورت عدم تشکیل دادگاه کیفری یک در محل با نزدیکترین دادگاه کیفری یک خواهد بود .</p>	<p>تبصره ۱</p>	<p>۲۸۴</p>

<p>دادگاه انتظامی قضات نیز در مقام رسیدگی به تخلفات قضات چنانچه مورد را از مصادیق این ماده بدانند ، بدون در نظر گرفتن مهلت مذکور در تبصره ۴ مراتب را به اطلاع ریاست دیوان عالی کشور میرساند ، رئیس دیوان حق دارد پرونده را برای تجدیدنظر شکلی به دادگاه انتظامی قضات ارجاع کند . دادگاه مزبور ، در صورت نقض حکم ، پرونده را برای رسیدگی ماهوی ، به دادگاه صالح میفرستد .</p>		
<p>تبصره ۲- در مواردیکه دادگاه کیفری یک به پرونده هائی که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است رسیدگی مینماید . رسیدگی تجدیدنظر نسبت به حکم یا قرار صادره به عهده شعبه دیگر دادگاه کیفری یک همان حوزه قضائی میباشد و در صورت وحدت شعبه ، رسیدگی مزبور با نزدیکترین دادگاه کیفری یک خواهد بود .</p>	تبصره ۲	۲۸۴
<p>تبصره ۳- اشخاص زیر حق درخواست تجدید نظر را دارند .</p> <ol style="list-style-type: none"><li>۱- قاضی صادرکننده رای در مورد بندیک ماده ۲۸۴</li><li>۲- دادستان یا دادیار صادر کننده رای .</li><li>۳- دادگاه انتظامی قضات .</li><li>۴- اعضاء شورای عالی قضائی .</li></ol>	تبصره ۳	۲۸۴
<p>تبصره ۴- مهلت درخواست تجدیدنظر برای اشخاص فوق دهنده است و ابتدای آن در صورتی که حکم با قرار دادگاه به دادستان یا دادیار اعلام شده باشد ، از روز اعلام والا از تاریخ ابلاغ بمآنها خواهد بود . درخواست تجدیدنظر را میتوان به دادگاه صادرکننده</p>	تبصره ۴	۲۸۴

رای یا مرجع تجدیدنظر تسلیم نمود .		
تقاضای تجدید نظر ، توسط کسانیکه حق این درخواست را دارند اجرا حکم را در قسمتی که نسبت به آن درخواست تجدیدنظر شده است ، به تاخیر می اندازد .	تبصره ۵	۲۸۴

ج - در مواد آتی کلمات یا عبارات اصلاحی زیر جایگزین بخشی از کلمات یا عبارات موجود میشوند

در ماده	عبارت ، کلمه موجود	کلمه یا عبارت اصلاحی که جایگزین میشود
۲۴ و ۲۵ و ۲۶ ۳۸	کمیسیون تنظیمه - کمیسیون ابتدائی ، بدایت ، استیناف	ضابطین دادگستری - ضابط کیفری دو
۳۸	در امور جنحه بیش از دو ماه یک مرتبه و در امور جنائی بیش از چهار ماه یک مرتبه	بیش از دو ماه یک مرتبه
۳۸	غیر قابل استیناف و تمیز	غیر قابل تجدیدنظر
۴۰ و تبصره های آن	در جنایات اگر جرم مشهود باشد	در جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است .
	در امور جنحه (تبصره ۱ اصلاحی سال ۵۸)	در اموریکه در صلاحیت دادگاه کیفری دو است .

دادگاه جنحه	دادگاه کیفری دو	
ماده ۵	بند ب ماده ۵۹	
جنحه یا جنایت	جرم	۶۱۵۵۵۵۴ و ۶۴
در امور جنحه	در جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است	ب ۵۹
ماده ۱۲۵ (تبصره)	مقررات جزائی قانون مربوط	ماده ۱۲۵ (تبصره)
شهرستان	کیفری دو	ماده ۱۲۹ (تبصره ۱)
جنحه	کیفری دو	ماده ۱۲۹ (تبصره ۲)
در امر جنائی تا چهار ماه و دو ماه جنحه تا دو ماه	تا چهار ماه	ماده ۱۲۹ (تبصره ۲)
شهرستان	کیفری ۲	۱۳۶ مکرر
تبصره	تبصره ۱	۱۳۶ مکرر
دادستان شهرستان	دادستان	۱۶۹

۱۶۹	دادگاه شهرستان	دادگاه کیفری دو
۱۶۹	تقاضای فرجام نسبت باصل حکم مانع از آن نخواهد بود که دیوان جنائی و یا دادگاه استان و یا دادگاه جنحه که از حکم آنها تقاضای فرجام شد مانع است نسبت به تقاضای تخفیف تا مین رسیدگی نماید و در صورت تقاضا از دادگاه کلیه اقدامات مربوط به قبول تخفیف تا مین نیز با خود دادگاه است .	مطرح بودن پرونده در دیوان عالی کشور مانع از آن نخواهد بود که دادگاه کیفری نسبت به تقاضای تخفیف تا مین رسیدگی نماید و در صورت تقاضا از دادگاه کلیه اقدامات مربوط به قبول تخفیف تا مین نیز با خود دادگاه است .
۲۰۰	جنحه یا جنایتی	جرم
۲۱۵ و ۲۱۶	صلحیه	کیفری
۲۴۶ (بند ۱) قسمت دوم)	به جنایات	به جرائم مهم
۲۶۲	محکمه صلح	محکمه
۲۷۱	امین صلح	قاضی
۲۳۰	موارد استدعای تمیز از قرار ذیل است .	علاوه بر موارد مذکور در ماده ۲۸۴ قانون اصلاح موادی از آئین دادرسی کیفری ، موارد تجدید نظر در دیوان عالی کشور از قرار ذیل است .



تجدید نظر	فرجام	۴۴۴ و ۴۵۵
دادگاه	دیوان تمیز	۴۶۹
احکام دادگاهها پس از قطعیت	احکام ندادگاههای جزائی در موارد ذیل	۴۷۳
حکم غیابی	حکمی که صادر شده	۴۷۴
حکم غیابی ولی نادیده ضروریان و محکوم به مالی از مال او به عمل میآید .	حکمی ولی نادیده خسارت و مخارج عدلیه از مال او بعمل میآید	۴۷۵ ۴۸۴ (بند ۵)
جرمی که کیفر آن دو بیست هزار تومان جزای نقدی و یا بالاتر باشد .	جرمی که کیفر آن معادل ۲۰۰ هزار تومان و بالاتر و یا معادل دو پنجم اموال مجرم و بالاتر باشد	۱۹۸ (بند د) قانون اصلاح مواد از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب شهریور ۱۳۶۱

د - مواد و تبصره‌های زیر حذف میشوند .

۱- مواد و تبصره‌های زیر از آئین دادرسی کیفری و اصلاحات آن حذف میشوند .

۱۸ مکرر - ۲۳ مکرر - ۲۸ - ۴۰ مکرر - ۱۴۹ - ۱۷۵ - ۱۷۷ - ۱۷۹ - ۱۸۱ تا آخر ۱۹۸ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۴ - ۲۰۸ و تبصره آن ، ۲۰۸ مکرر - ۲۰۹ - ۲۱۷ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۹ تا آخر ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۵۱ - ۲۵۶ - ۲۵۸ تا آخر ۲۶۱ و تبصره‌های آن - ۲۶۴ تا آخر ۲۷۰ - ۲۷۳ تا آخر ۳۰۷ - ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۶ و تبصره‌های آن - ۳۱۷ و تبصره‌های آن - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۹ تا آخر ۳۳۱ - ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۳۳۹ تا آخر ۳۲۹ - تبصره ۲ ماده ۴۳۰ مکرر -

- ۴۳۱ تا آخر ۴۴۳ مکرر- ۴۵۹ - ۴۶۱ - ۴۶۳ - ۴۶۸ - تبصره ماده ۴۶۹-۴۷۱-بندهای ۲ و ۳ ماده ۴۷۳-۴۹۴-۴۹۷ تا آخر ۵۰۶ تبصره .
- ۲- مواد زیر از فصل ششم قانون " بقیه مواد دلایحه اصلاح قسمتی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ۳۷ حذف میشوند .
- تا- ۲۵ - ۲۳ - ۴۱ - ۴۲
- ۳- قانون تجویز دادرسی غیابی در امور جنائی مصوب ۲ خرداد ماه ۱۳۳۹ نسخ میشود .
- ۴- مادتین ۲ و ۳ مواد الحاقیه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۲ مهرماه ۱۳۱۲ با اصلاحات بعدی آن و مواد ۲ و ۴ از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری- (۱/ مردادماه ۱۳۳۷) نیز حذف میشود .
- ۵- مواد ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ قانون اصلاح پارهای از قوانین دادگستری مصوب ۲۵ خرداد ۱۳۵۶، حذف میشوند .
- ۶- تبصره ۱ ماده ۱۹۸ قانون اصلاح موادی از آئین دادرسی کیفری مصوب شهریور ماه ۱۳۶۱ حذف و تبصره های ۲ و ۳ آن به تبصره های ۱ و ۲ تبدیل میشوند .

ه- از مواد آتی کلمات یا عبارات زیر حذف میشوند

ماده	کلمات یا عباراتی که حذف میشوند
۷	فقط
۹	رقم ( ۱ ) از ابتدای بند ( ۱ )
۹	تمامی عبارات بندهای ( ۲ ) و ( ۳ )
۱۲	در موارد جنحه و جنایت
۱۲	در امور جنائی قبل از تشکیل جلسه مقدماتی
۱۲ ( تبصره )	جنحه

با وجود حکم به محکومیت متهم	۱۴
راجع به جنحه و جنایت	۳۷
ابتدائی / ابتدائیه	۲۱ و ۵۱ و ۵۳ و ۵۹ و ۷۱ و ۷۲ و ۸۹ و ۲۳ و ۴۱ و ۵۸ و ۱۶۱ و ۱۶۳ و ۱۷۶
جنحه و جنایت	۹۰
به جنایت	۹۹
تمامی عبارات بند ( ۱ )	۱۱۵ ( بند ۱ )
دراهمیت کمتر از فقر فاول است ولی	۱۱۵ ( بند ۲ )
بندهای ( ۱ ) و ( ۲ )	۱۳۰ مکرر
رقم ( ۳ ) از ابتدای بند ( ۳ )	۱۳۰ مکرر
و در صورت عدم تا دیمو جفا لکفال مکفیل در مقابل هر ۵۰ ریال یک روز توقیف خواهد شد .	۱۳۶ مکرر
مدت توقیف در هر حال از یک سال تجاوز نخواهد کرد .	۱۳۶ مکرر
از خلاف یا جنحه یا جنایت	۱۶۲
استیناف	۱۶۷ و ۱۷۴ و ۱۷۸

جنحه	۱۶۹
و همچنین دادستان استان میتوانند از دادگاه جنائی و دادگاه استان درخواست تشدید یا تخفیف تأمین کند . جنحه یا استان یا جنائی .	۱۶۹ ۱۶۹ (بصره)
دادستان یا	۱۷۱ (بند های او) ۷۳
صلحیه	۲۱۳ و ۲۱۲
در امور جنحه	۲۱۹ (بصره)
و محل اقامت آنان در جائی است که بیش از دو فرسخ از صلحیه مسافت ندارد .	۲۲۵
به صلحیه - صلح - صلحیه	۲۲۷ و ۲۲۶
و بعد مسافت بیش از دو فرسخ باشد	۲۲۷
صلح	۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ ۲۵۲ و
تمامی عبارت بند ه	ماده ۲۷۱
ولیکن محکوم علیه در موعد مقرر حقا استیناف خواهد داشت .	ماده ۳۲۰
مرجع شکایت از رد ایراد نسبت به دادرس دادگاه بخش (تسا (آخر) . . . ابلاغ مینماید .	۳۳۴

احکام محاکم جنبه باید در ظرف ۲۴ ساعت بعد از صدور به امضای رئیس و اعضای محکمه برسد و	۳۳۸
فرجام خواسته .	۴۵۶ و ۴۴۴
در صورتیکه شعبه مرکب از رئیس و سه مستشار باشد عضو ممیز در رای شرکت نمی نماید و الا با شرکت عضو ممیز رای صادر میشود .	۴۵۱
فرجامی	۴۵۵ و ۴۵۲
در موردی که متهم به تنهایی شرکت فرجامی کرده باشد در رفع اشتباه به ضرر او جائز نیست .	۴۵۶
تمامی عبارت قسمت اول	۴۵۸
تمامی عبارت قسمت خامسا	۴۵۸
شخص محکوم علیه یا	۴۶۲
یا محکوم علیه	۴۶۳
استیناف یا تمیز	۴۷۴
جنائی	۴۸۵
در کلیه امور جنائی	۳۵ قانون تشکیل محاکم جنائی
جنائی	۲۱ و ۲۲ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ قانون تشکیل محاکم جنائی

تبصره - شورای عالی قضائی اصلاحات و الحاقات مذکور در این قانون را در قانون آئین دادرسی کیفری و اصلاحات آن و مواد الحاقیه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۲/مهرماه/۱۳۱۲ و فصل ششم از قانون " بقیه مواد لایحه اصلاح قسمتی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ و مواد اضافه شده به آن ( ۱ مردادماه ۱۳۳۷ ) و قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنائی مصوب ۲ خردادماه ۱۳۳۹ و قانون اصلاح پارهای از قوانین دادگستری مصوب ۲۵/خرداد ماه ۱۳۵۶ و نیز قانون اصلاح موادی از آئین دادرسی کیفری مصوب شهریور ماه ۱۳۶۱/ وارد مینماید و کلمات و عبارات و تبصرهها و موادی را که مطابق این قانون حذف شده اند ، حذف میکند و مجموع مواد اصلاح و الحاق شده را در ابواب و مباحث مربوط تنظیم و تبویب و بطور مسلسل ( از ماده یک به بعد ) شماره بندی مینماید ، و همراه با جدول تطبیقی شماره مواد تبویب و تنظیم شده شماره مواد سابق و ذکر قانون مرجع ، حداکثر در ظرف دو ماه ، توسط روزنامه رسمی به چاپ میرساند .

بمنظور تأمین صحت این قانون و جلوگیری از اشتباهاتی که ممکن است در نتیجه وارد کردن ناصحیح الحاقات و اصلاحات پیش آید ، انتشار متن تبویب شده قانون آئین دادرسی کیفری به مدت پنج سال در اختیار دادگستری جمهوری اسلامی ایران قرار میگیرد و انتشار آن توسط ناشران خصوصی موجب تعقیب کیفری خواهد بود .

این لایحه در جلسه شصت و شصت و دو شورای عالی قضائی مورخ ۲۵/۱۱/۶۳ بتصویب

رسید . /ن

## ضمیمه قسمت " پ "

— به ماده ۷ آئین دادرسی کیفری بشرح زیر پس از کلمه شرکت " یا معاونت " الحاق و کلمه " فقط " حذف میشود .

ماده ۷ — تعقیب امر جزائی و حفظ حقوق عمومی فقط نسبت به مرتکب جرم و کسانسی خواهد بود که شرکت در آن جرم داشته اند .

— به بند ۲ ماده ۲۱۶ ، آ . د . ک . بشرح زیر پس از کلمه حبس ، عبارت " یا قصاص ، یادیه ، یا حد " الحاق میشود .

ماده ۲۱۶ — در موردی که اداره نظمیّه و ماورین دولتی اعلام جرمی به محکمہ صلیحیه مینمایند در موارد ذیل میتوانستند مقصرا هم با اعلام نامه به محکمہ صلیحیه بفرستند .

۱ — در صورتیکه نظمیّه مرتکب را در حین ارتکاب بدست آورده است و محل اقامت او معین نیست و نمیتوان اطمینان باظهار او در باب اسم و محل اقامت او حاصل نمود .

۲ — در صورتیکه عمل مرتکب مستلزم مجازات حبس است و احتمال می رود که تا ارتکاب خود را معدوم نماید یا فرار کند .

به ماده ۴۶۶ ، آ . د . ک . بشرح زیر ، این عبارتها الحاق میشود .

— پنجم — در مورد بند ۲ ماده ۶ قانون مجازات اسلامی

ششم — هنگامیکه شاکی یا مدعی خصوصی با ارائه دلخواه و سنا د جدید مدعی گناهکاری متهمی باشد که بر اثبات حاصل کرده است .

ماده ۴۶۶ — موارد قانونی اعاده محاکمه احکام قطعی محاکم ( اعم از اینکه بموقع اجراء گذاشته شده یا نشده باشد ) از قرار ذیل است .

اول — وقتی که چند نفر با اتهام ارتکاب به تقصیری محکوم شده اند و تقصیر طور بیست کسه بیش از یک مرتکب نمیتواند داشته باشد .

دوم — وقتی که کسی با اتهام قتل شخصی محکوم شده که آن شخص بعد پیدا شده و یا محقق شده که در حال حیات است .

سوم — هرگاه دلائلی ابراز شود که موثر بر بی تقصیری متهم با شکی یا اینکه جزائی که برای او معین شده است بواسطه اشتباه حکام دادگستری قانونا متناسب با تقصیر او نیست .

( شق سوم اصلاحی مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ می باشد . )

چهارم - کشف و ثبوت اسناد جعلی یا شهادت جعلی که منبای حکم بوده است .

- به ماده ۳۹ فصل ششم از قانون " بقیه مواد لایحه اصلاح قسمتی از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱ / مرداد ماه / ۱۳۳۷ " به شرح زیر ، پس از عبارت " مصاد قانونی " عبارت " جهات شرعی " و پس از عبارت " بر براءت " عبارت " یا تعلیق مجازات " و به آخر ماده عبارت " در موقع اعلام رای چنانچه متهم به هر علتی حضور نداشته باشد ، رای صادره برای ابلاغ به نشانی او ارسال میشود . " الحاق میشود .

ماده ۳۹ - دادگاه پس از ختم رسیدگی با استعانت از خدا و وجدان مشاوره نموده و با توجه به محتویات پرونده مبادرت به صدور رای مینماید و بعد از صدور رای جلسه علنی دادگاه با حضور متهم و دادستان تشکیل و رای دادگاه با ذکر مواد قانونی توسط منشی دادگاه با صدای رسا خوانده و مفاد رای توسط رئیس به متهم تعهیم میشود .

در صورتیکه رای بر براءت متهم باشد مشارالیه فوری آزاد میگردد مگر آنکه از جهات دیگری بازداشت باشد .

- به ماده ۱۹۸ ، قانون " اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب شهریورماه ۱۳۶۱ " به شرح زیر یک بند به عنوان بند ه ، الحاق میشود .

" ه - جرمی که کیفر آن نصف دیه هریک از موارد شش گانه مندرج در ماده ۳ قانون دیات و یا بالاتر باشد اعم از عمد یا شبیه و یا خطا محض . "

ماده ۱۹۸ - دادگاههای کیفری یک به جرمهای زیر رسیدگی مینماید .

الف - جرمی که کیفر آن اعدام ، رجم ، صلب و نفی بلد بعنوان حد باشد .

ب - جرمی که کیفر آن قطع یا نقص عضو باشد .

ج - جرمی که کیفر آن بحسب قانون ۱۰ سال زندان و بالاتر باشد .

د - جرمی که کیفر آن معادل ۲۰۰ هزار تومان و بالاتر و یا معادل دو پنجم اموال مجرم و بالاتر باشد .

تبصره ۱ - هرگاه کیفر الف و ب از باب قصاص مترتب بر عمد باشد به خطا و شبه عمد چنین جرمی نیز در دادگاه کیفری ۱ رسیدگی خواهد شد .

تبصره ۲ - هرگاه جرمی که ادعا شده احتمال ترتب یکی از کیفرهای مذکور بر آن باشد و پس از ختم دادرسی معلوم شود که کیفر آن کمتر از امور مذکور است دادگاه کیفری درجه ۱ مبادرت به انشاء حکم خواهد کرد .



ضمیمه قسمت ج

- در مواد ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ آئین دادرسی کیفری بشرح زیر، کمیسنظمیه به "ضابطین دادگستری" و کمیسر، به "ضابط" تبدیل میشود.

ماده ۲۴ - کمیسنظمیه پس از اجرای تحقیقات و اقدامات فوری در امری که مشمول ماده ۲۳ میباشد و همچنین اجرای تفتیشات محرمانه در موارد ماده ۲۱ نتیجه اقدامات خود را با اطلاع مدعی العموم میرساند.

در صورتیکه مدعی العموم آن اقدامات را کافی نیافت میتواند تکمیل آن را بخواهد. در این موارد کمیسرهای نظمیه مکلفند بدستور مدعی العموم هرگونه تحقیقات و اقدامات قانونی برای کشف جرم بعمل آورند ولی کمیسرهای نظمیه متهم را بیش از ۲۴ ساعت نمیتوانند در توقیفگاه نگاه دارند و هرگاه توقیف او را بیش از ۲۴ ساعت برای تعقیب تحقیقات لازم بدانند فوراً به مدعی العموم اطلاع میدهند در اینصورت مدعی العموم لدى الاقتضاء توقیف او را از مستنطق میخواهد و تعقیب تحقیقات را به کمیسر دستور میدهد. در اذخ سایر تأمینات نیز کمیسرهای نظمیه نمیتوانند مستقلاً اقدام نمایند و هر وقت لازم بدانند باید به مدعی العموم مراجعه نمایند.

همچنین اجراء تفتیش در منازل و جلب اشخاص در غیر از موارد مذکور در ماده ۲۳ باید با اجازه مخصوص مدعی العموم باشد. ولو اینکه اجرای تحقیقات بطور کلی از طرف مدعی العموم به کمیسر رجوع شده باشد.

(اصلاحی مصوب ۱۳۱۱/۷/۱۲)

ماده ۲۵ - اقدامات کمیسرهای نظمیه در مورد دوماهه قبل موافق قواعد و ترتیباتی است که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است.

(رجوع به فصل پنجم این باب - مواد ۵۳ لغایت ۱۶۰ این قانون)

ماده ۲۶ - کمیسنظمیه بعد از ورود مستنطق یا مدعی العموم تحقیقاتی را که کرده به مشارالیه داده و دیگر مداخله نمیکند مگر اینکه تعلیمات یا ماموریتی از طرف مستنطق یا مدعی العموم به کمیسری نظمیه رجوع شود.

- در ماده ۲۳۸ د. ک. به شرح زیر کلمات ابتدائی بدایت، استیناف به "کیفری دو" و عبارت "در امور جنحه بیش از دوماه یک مرتبه و در امور جنائی بیش از چهار

ماه یک مرتبه " به " بیش از دوماه یک مرتبه " و عبارت ، " غیر قابل استیناف " به " غیر قابل تجدیدنظر " تبدیل می شود .

ماده ۳۸ - مستنطق راسا و یا به تقاضای مدعی العموم می تواند در تمام مراحل تحقیقاتی قرار توقیف متهم و همچنین قرار اخذ تامين و یا تبدیل تامين راسا در نماید . در صورتیکه مستنطق راسا قرار توقیف بدهد مکلف است تا ۲۴ ساعت مفاد قرار خود را کتبا برای مدعی العموم بفرستد . هرگاه مدعی العموم با توقیف موافق نبوده و همچنین در موردی که مدعی العموم تقاضای توقیف کرده و مستنطق با آن موافق نباشد حل اختلاف در محکمه بدایت محل بعمل خواهد آمد و متهم بر حسب مورد بدستور مستنطق یا مدعی العموم تا صدور رای محکمه توقیف خواهد شد در این مورد و همچنین در صورتیکه مدعی العموم و مستنطق در توقیف توافق داشته باشند متهم میتواند تا ده روز از روز ابلاغ یا اعلام قرار مستنطق یا دستور مدعی العموم راجع به توقیف به محکمه ابتدائی محل رجوع کند - این حق شکایت باید در ضمن قرار مستنطق یا دستور مدعی العموم راجع به توقیف صریحا قید شود .

هر وقت علتی که موجب توقیف بود مرتفع شده و موجب دیگری برای ادامه توقیف نباشد توقیف با موافقت مدعی العموم و مستنطق رفع خواهد شد .

اگر بین مستنطق و مدعی العموم نسبت به رفع توقیف اختلاف باشد محکمه ابتدائی حل اختلاف خواهد کرد و تا زمان رفع اختلاف متهم در توقیف میماند .

هرگاه متهم موجبات توقیف را مرتفع دید میتواند از مستنطق رفع توقیف خود را بخواهد و چنانچه تا پنج روز از تاریخ تسلیم تقاضا نامه به مستنطق تقاضای اوانجام نشود متهم حق دارد تا ده روز پس از انقضای پنج روز فوق الذکر به محکمه ابتدائی شکایت کند ولی متهم نمیتواند در امور جنحه بیش از دوماه یکمرتبه و در امور جنائی بیش از چهار ماه یک مرتبه از این حق شکایت استفاده نماید .

در صورت اختلاف بین مستنطق و مدعی العموم راجع به صلاحیت محلی مستنطق نیز رفع اختلاف در محکمه ابتدائی محل بعمل خواهد آمد .

در کلیه موارد مذکور در فوق محکمه ابتدائی خارج از نوبت و در جلسه داری رسیدگی کرده و رای آن غیر قابل استیناف و تمیز است .

محکمه میتواند متهم را در مواردی که لازم بداند در جلسه داری احوال نماید .

در صورتیکه بین مستنطق و مدعی العموم راجع به صلاحیت مستنطق عدلیه مستنطق محاکمات نظامی اختلاف باشد حل آن با محکمه استیناف است .

در هر مورد بین مدعی العموم و مستنطق راجع به نوع جرم اختلاف باشد ، دوسیه برای محاکمه به محکمه که مدعی العموم آن را صالح میدانند رجوع خواهد شد .  
( اصلاحی مصوب ۱۰/ خردادماه/ ۱۳۱۱ )

- در ماده ۴۰ د. آ. ک. و تبصره های آن به شرح زیر ، عبارت . " در جنایات اگر جرم مشهود باشد " به " در جرائمی که در صلاحیت کیفری یک است " و عبارت " در امور جنحه " به " اموری که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است " و عبارت " دادگاه جنحه " به " دادگاه کیفری دو " و عبارت " ماده ۵ " به " بند ب ماده ۵۹ " تبدیل میشود .  
ماده ۴۰ - در جنایات اگر جرم مشهود باشد دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس اقدامات لازم را برای حفظ و جمع آوری دلایل و آثار جرم بعمل می آورد .  
در امور جنحه بطور کلی تحقیقات مقدماتی وسیله ضابطین دادگستری تحت نظارت و تعلیمات دادستان انجام میشود و پس از تکمیل پرونده دادستان در صورتیکه موضوع را قابل تعقیب کیفری تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست و هرگاه مورد منطبق با ماده ۵ این قانون باشد با بیان ادعای شفاهی در دادگاه مطرح مینماید و الا حسب مورد قرار موقوفی یا منع تعقیب یا عدم صلاحیت یا ابطاله صادر خواهد کرد . ترتیب تحقیقات مقدماتی و شکایت از قرارهای مذکور همان است که در مورد تحقیقات و قرارهای بازپرس مقرر است . صدور قرار تأمین خواسته و اخذ تأمین از متهم در این مورد با دادستان است . قرار توقیف و قرار وثیقه ای که منتهی به بازداشت متهم شود ظرف ده روز از تاریخ بازداشت قابل شکایت در دادگاه جنحه است مگر اینکه صدور قرار وثیقه قانونا الزامی باشد . در امور جنحه دادستان میتواند تمام یا قسمتی از تحقیقات مقدماتی را شخصا بوسیله دادیاران خود انجام دهد .

تبصره ۱ - کلیه وظایف و اختیارات بازپرس در امور جنحه به دادستان واگذار میشود .  
تبصره ۲ - دادگاه جنحه در صورتیکه تحقیقات را کافی نداند راسا به تکمیل آن اقدام و یا دستور تکمیل آنرا با ذکر موارد نقص مستقیما به ضابطین دادگستری یا در صورت اقتضاء به دادسرا میدهد و مراجع مذکور مکلفند تحقیقات و اقدامات مورد نظر دادگاه را انجام و پرونده را اعاده نمایند .

اجرای دستور دادگاه وسیله ضابطین دادگستری در هر حال مانع نظارت قانونی دادستان نخواهد بود .

تبصره ۳ - از تاریخ اجرای این قانون ، بازپرس ( جز دادرس دادگاه بخش مستقل

که به‌جانشینی بازپرس انجام وظیفه مینماید ( به‌جرائی رسیدگی میکند که محاکمه آنها راجع به دادگاه جنائی است ) امور جنائی و جنحه‌هایی که به تبع امر جنائی رسیدگی به‌آن در صلاحیت دادگاه جنائی است ) و درغیراین مواردارجاع‌پرونده‌به‌بازپرس‌مجاز نیست . مع‌الوصف در صورت تغییر عنوان اتهام ویا صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب نسبت به اتهام جنائی که توأم با امر جنحه باشد بازپرس نمیتواند از رسیدگی به اتهام جنحه امتناع نماید و بهر حال در صورت اختلاف نظر در باب صلاحیت موضوع این تبصره بازپرس طبق نظر دادستان به‌رسیدگی ادامه خواهد داد .

دادستان میتواند پرونده‌های جنحه‌ای را که در تاریخ اجرای این قانون در شعب بازپرسی مطرح است برای رسیدگی به‌دادیاران ارجاع نماید و مادام که ارجاع نشده‌بازپرس به‌رسیدگی این قبیل پرونده‌ها ادامه خواهد داد . در شهرهایی که تعداد پرونده‌های جنائی کم و متناسب با کار یک بازپرس نباشد دادستان شهرستان میتواند با اجازه وزیر دادگستری امور جنحه‌ای را برای مدتی که لازم باشد به‌بازپرس ارجاع نماید و بازپرس استثنائاً به امور جنحه نیز رسیدگی میکند .

( اصلاحی مصوب ۵۲/۱۱/۲ )

تبصره ۴ - بازپرسی که به‌مقتضای اجرای این ماده به‌دادیاری دادسرای شهرستان تغییر سمت می‌یابد مادام که در سمت دادیاری باقی هستند از فوق‌العاده قضائی و مزایای مخصوص بازپرسی استفاده خواهند کرد .

( اصلاحی مصوب ۵۲/۱۱/۲ )

( ماده ۴۰ بشرح بالا در تاریخ ۱۳۵۲/۱۱/۲ اصلاح و تبصره آن حذف و ۴ تبصره بشرح متن در تاریخ ۱۳۵۲/۱۱/۲ به‌آن الحاق شده )

- در مواد ۵۴ و ۵۵ و ۶۱ و ۶۲ . د . ک . بشرح زیر ، " جنحه یا جنایت " به " جرم " تبدیل میشود .

ماده ۵۴ - مستنطق در صورت وجود جهات قانونی ( رجوع به ماده ۶۰ ) در موارد ذیل شروع بتحقیقات مینماید .

۱- در صورت وقوع جنحه یا جنایت در حوزه ماموریت او .

۲- در صورتیکه جنحه یا جنایت در حوزه مستنطق دیگری واقع شده ولی متهم یا مقصر

در حوزه اوست گنجه یا جنحه جنایت در حوزه او کشف شده باشد .

۳- وقتی که متهم یا مظنون به ارتکاب جنحه یا جنایت در حوزه او مقیم است و لو اینکه

وقوع در حوزة مستنطق دیگری بعمل آمده باشد .

ماده ۵۵ - در موردی که جنحه یا جنایت در خارج حوزة مستنطق واقع شده ولی در حوزة او کشف یا مرتکب در حوزة او دستگیر شده است مستنطق به تقاضای مدعی العموم یا مستنطق حوزة وقوع جنحه یا جنایت تحقیقاتی را که مقتضی محلی است که متهم در آنجا بدست آمده است ، بعمل آورده نتیجه تحقیقات را با خود متهم ( در صورتیکه دستگیر شده باشد ) نزد مستنطقی که در حوزة او جرم واقع شده است میفرستد .

ماده ۶۱ - هرگاه کسی اعلام نماید که خود شاهد وقوع جنحه یا جنایتی بوده این اظهار برای شروع به تحقیقات کافی است و لولاینکه مستنطق دلایل دیگر برای اجرای تحقیقات نداشته باشد ولی اگر اعلام کننده خودش شاهد قضیه نبوده بمحض اعلام نمیتوان شروع به تحقیقات نمود مگر اینکه دلایل صحت ادعا موجود باشد .

ماده ۶۴ - در شکایات باید نکات ذیل قید شود .

- ۱- تاریخ و محل وقوع جنحه یا جنایت .
- ۲- مظنون کی است و مدرک ظن چیست ؟
- ۳- ضرر و زیانی که از وقوع جرم بعمل آمده .
- ۴- \_\_\_\_\_ ( عبارت ناخوانا است )

- در ماده ۵۹ آ . د . ک . بشرح زیر ، " در امور جنحه " به " در جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است " تبدیل میشود .

ماده ۵۹ ب - در امور جنحه عم از جرائم مشهود و غیر آن در صورتیکه متهم و شاکی حاضر بوده یا فقط متهم حاضر و شاکی در بین نبوده یا گذاشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد دادستان با اعزام متهم و هدایت شاکی ( در صورت حضور ) بدادگاه دعوی کیفری را بلافاصله شفاها در دادگاه مطرح خواهد نمود .

در این مورد دادگاه بدون تاخیر تشکیل جلسه داده و به متهم اخطار خواهد کرد که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع درخواست مهلت نماید . در اینصورت حداقل سه روز باو مهلت داده میشود این اخطار و جواب متهم باید در صورت مجلس دادگاه قید شود . در صورت درخواست مهلت دادگاه میتواند از متهم تأمین اخذ نماید هرگاه متهم از این حق استفاده نکند دادگاه در همان جلسه رسیدگی و صدور حکم میادرت خواهد نمود و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند رسیدگی را یکی از نزدیکترین جلسات خود موقوف میکند و یادستور تکمیل تحقیقات را بدادستان یا سایر بطنین دادگستری میدهد .

در صورت مطالبه ضرور زبان از طرف شاکی خصوصی مقررات ماده ۴۹۲ این قانون رعایت خواهد شد. شاکی خصوصی در صورت درخواست مهلت میتواند ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه هر چند فارغ از امر جزائی باشد با رعایت ماده ۱۴ این قانون بدعوی ضرر و زیان رسیدگی کرده و حکم مقتضی خواهد داد.

(ماده ۵۹ ب کمال حاقی مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۰ بوده بشرح بالا طبق مصوبه ۱۳۵۲/۱۱/۲ اصلاح شده.)

- در تبصره ماده ۱۲۵. آ. د. ک. ب. شرح زیر، " ماده ۱۱۲ قانون جزا " به مقررات جزائی قانون مربوط " تبدیل میشود.

ماده ۱۲۵- بازپرس ابتداءً هویت و مشخصات متهم را دقیقاً (اسم - اسم پدر - شهرت - فامیل - سن - شغل - عیال و اولاد و تابعیت ) سوال نموده متذکر میشود که مواظب اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آنرا صریحاً به متهم تفهیم میکند و آنگاه شروع به تحقیق مینماید. سوالات باید مفید و روشن باشد.

سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید او در صورت مجلس قید میشود.

(اصلاحی مصوب ۲۳ و ۱۳۳۵/۱۱/۳۰)

تبصره - بازپرس در ضمن تحقیق، هویت متهم، محل اقامت او را از شهر - قصبه - قریه - ده - کوچه - خیابان - منزل - شماره منزل و غیره بطوری که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد تعیین و به متهم میفهماند مجلی را کلبه برای اقامت خود تعیین میکند محل اقامت قانونی اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد باید محل اقامت جدید خود را بطور روشن و بنحوی که ابلاغ آنها ممکن باشد معین کند و الا احضاریهها بهمان محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد. تغییر محل اقامت بمنظور تاخیر و طفره و تعلق بخشی که ابلاغ اوراق متعسر باشد پذیرفته نیست و کلیه اوراق بهمان محل سابق ابلاغ خواهد شد تشخیص این موضوع با مقامی است که رسیدگی مینماید.

تخلف از مقررات این ماده موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا میباشد و تخلف مامورین ابلاغ اعم از دادگستری یا انتظامی یا ثبت در انجام وظائف خود و یا گزارش خلاف واقع آنها در امور مربوط به وظایفشان مشمول ماده ۱۱۲ قانون جزا خواهد شد مقررات این تبصره از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی لازم الرعایه است.

( تبصره ماده ۱۲۵ که الحاقی مصوب ۱۳۱۱/۷/۱۲ بوده بشرح بالا طبق مصوبه ۲۳ و ۱۳۳۵/۱۱/۳۰ اصلاح گردیده . )

در تبصره ۱ و ۲ ماده ۱۲۹ آ . د . ک . بشرح زیر ، کلمه "شهرستان" و "جنحه" به "کیفری دو" و عبارت "در امر جنائی تا چهار ماه و در امر جنحه تا دو ماه" به "تا چهار ماه" تبدیل میشود .

ماده ۱۲۹ - برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم باز پرس میتواند یکی از قرارهای نامین ذیل را صادر نماید .

- ۱- التزام عدم خروج از حوزه قضائی با قبول شرف .
  - ۲- التزام عدم خروج با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم .
  - ۳- اخذ کفیل در صورتیکه متهم تقاضا نماید بجای کفیل وجه نقد یا مال منقول یا غیر منقول بدهد باز پرس مکلف بقبول آن است .
  - ۴- اخذ وثیقه ( وثیقه اعم است از وجه نقد و مال منقول یا غیر منقول ) .
  - ۵- توقیف احتیاطی با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۰ مکرر .
- ( اصلاحی مصوب ۲۳ و ۱۳۳۵/۱۱/۳۰ )

تبصره ۱ - در مواردیکه خروج متهم باید با اجازه باز پرس یا دادستان باشد در صورت عدم موافقت آنها متهم میتواند بدادگاه شهرستان شکایت کند و هرگاه دادگاه تقاضای متهم را موجه دید میتواند اجازه خروج بدهد .

( الحاقی مصوب ۲۳ و ۱۳۳۵/۱۱/۳۰ )

تبصره ۲ - هرگاه در امر جنائی تا چهار ماه و در امر جنحه تا دو ماه بعلت صدور قرار نامین متهم در توقیف مانده و پیرونده اتهامی او منتهی بصدور کیفرخواست نشده باشد مرجع صادرکننده قرار مکلف بفق یا تخفیف قرار نامین متهم میباشد مگر آنکه جهات قانونی یا علل موجهی برای بقاء قرار نامین صادر شده وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار بقاء میشود و متهم حق دارد از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ بدادگاه جنحه شکایت کند و تصمیم دادگاه جنحه قطعی است .

فق قرار بازداشت متهم از طرف باز پرس با موافقت دادستان بعمل میآید و در صورت حدوث اختلاف بین دادستان و باز پرس حل اختلاف با دادگاه جنحه خواهد بود .

( الحاقی مصوب ۲/۱۱/۱۳۵۲ )

— در ماده ۱۳۶ مکرر آ. د. ک. بشرح زیر ، " شهرستان " به " کیفری دو " و " تبصره " به " تبصره ۱ " تبدیل میشود .

ماده ۱۳۶ مکرر — هرگاه متهمی که التزام یا وثیقه داده درموقعی که حضور او لازم دانسته شده بدون عذروجه حاضرنگردد وجه التزام بدستور دادستان از متهم اخذ و وثیقه بنفع دولت ضبط خواهد شد متهم میتواند پس از ابلاغ دستور دادستان در ظرف ۱۰ روز بدادگاه شهرستان شکایت نماید .

اگر متهمی کفیل داده و درموقعی که حضور او لازم بوده حاضر نشده بکفیل اخطار میشود در ظرف ۲۰ روز متهم را تسلیم نماید در صورت عدم تسلیم بدستور دادستان وجه کفاله اخذ و در صورت عدم تادیه وجه کفاله کفیل در مقابل هر ۵۰ ریال یک روز توقیف خواهد شد و مدت توقیف در هر حال از یکسال تجاوز نخواهد کرد کفیل نیز میتواند از روز ابلاغ دستور دادستان در ظرف ۱۰ روز بدادگاه شهرستان شکایت نماید دادگاه باید فوراً و خارج از نوبت رسیدگی و تعیین تکلیف نماید .

( — از رای شماره ۲۰۴۲ مورخ ۴۰/۵/۵ هیات عمومی دیوان عالی کشور . . . فقط اخطار واقعی بکفیل موجب حصول اطمینان باستحضار او از این امر است بنا بر این تنها ابلاغ قانونی اخطار به نمیتوان اکتفا نمود . . .

— رجوع به قانون منع توقیف اشخاص . . .

— ماده ۱۳۶ مکرر کمالحاقی مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۰ بوده بشرح بالا اصلاحی مصوب ۲۳ و ۱۳۳۵/۱۱/۳۰ می باشد . )

تبصره — خواستن متهم از کفیل جز در موردی که حضور متهم برای بازپرسی یا محاکمه یا اجراء حکم ضرورت دارد ممنوع است متهم و کفیل میتوانند در موارد ذیل بدادگاه مراجعه نمایند .

۱- در صورتیکه کفیل بخواهد ثابت کند متهم را در موعد مقرر حاضر کرده است .

۲- در صورتیکه کفیل یا متهم بخواهند ثابت کنند در موعد مقرر خود متهم شخصا حاضر شده است .

۳- در صورتیکه کفیل بخواهد ثابت کند شخص ثالثی متهم را در موعد مقرر حاضر کرده است .

۴- هرگاه کفیل بخواهد ثابت کند در موارد مذکور در ماده ۱۱۳ آئین دادرسی کیفری مکفول نتوانسته حاضر شود ، یا اینکه خودش یکی از آن جهات نتوانسته مکفول را حاضر کند و همچنین متهم برای براءت خود بماده ۱۱۳ متوسل شود .



۵- در صورتیکه بخواهد ثابت کند که مکفول قبل از موعد مقرر فوت کرده بوده ،  
عـ در صورتیکه کفیل یا متهم بخواهند ثابت نمایند پس از صدور قرار قبول کفالت یا  
التزام معسر شده اند .  
( الحاقی مصوب ۲۳ و ۳۰/۱۱/۱۳۳۵ )

— در ماده ۱۶۹ آ . د . ک . بشرح زیر ، " دادستان شهرستان " به " دادستان "  
و " دادگاه شهرستان " به " دادگاه کیفری دو " و جملات " تقاضای فرجام نسبت به  
اصل حاکم . . . . " تا " با دادگاه است " به " مطرح بودن پرونده در دیوان عالی کشور  
مانع از آن نخواهد بود که دادگاه کیفری نسبت به تقاضای تخفیف تأمین رسیدگی نماید و  
در صورت تقاضا از دادگاه کلیه اقدامات مربوط به قبول تخفیف تأمین نیز با خود دادگاه  
است " تبدیل میشود .

ماده ۱۶۹ — دادستان شهرستان در جریان تحقیقات و حتی بعد از صدور قرار نهائی  
وقبل از تنظیم کیفرخواست میتواند از بازپرس درخواست تشدید یا تخفیف تأمین نماید و  
در صورت تقاضای تخفیف بازپرس مکلف به قبول آنست و در صورت تقاضای تشدید هرگاه  
بین بازپرس و دادستان موافقت حاصل نشود پرونده برای رفع اختلاف به دادگاه شهرستان  
ارسال میشود — دادگاه در جلسه اداری خارج از نوبت رسیدگی و اظهار نظر میکند و بازپرس  
طبق نظر دادگاه اقدام مینماید و پس از تنظیم کیفرخواست دادستان شهرستان نیز  
میتواند از دادگاه جنحه موجهها درخواست تشدید یا تخفیف نماید و همچنین دادستان  
استان میتواند از دادگاه جنائی و دادگاه استان درخواست تشدید یا تخفیف تأمین کند—  
قرار دادگاه در صورتی که مبنی بر تخفیف یا رد درخواست باشد قطعی است .  
هرگاه متهم از دادگاه درخواست تخفیف یا تبدیل تأمین کند دادگاه بدرخواست  
متهم رسیدگی و قرار مقتضی صادر مینماید قرار دادگاه در این مورد قطعی است . متهم نیز  
میتواند از دادگاههای مذکور درخواست تخفیف نماید .

تقاضای فرجام نسبت با عمل حکم مانع از آن نخواهد بود که دیوان جنائی و یا  
دادگاه استان و یا دادگاه جنحه که از حکم آنها تقاضای فرجام شده است نسبت به تقاضای  
تخفیف تأمین رسیدگی نماید و در صورت تقاضا از دادگاه کلیه اقدامات مربوط به قبول  
تخفیف تأمین نیز با خود دادگاه است .

( اصلاحی مصوب یکم مردادماه ۱۳۳۷ — منتشره در روزنامه رسمی شماره ۳۹۵۱ مورخ

تبصره - در مواردی که پرونده متهم در دادگاه مطرح شده و از متهم قبلانامین اخذ شده یا تامین قبلی منتفی شده باشد دادگاههای جنحه یا استان یا جنائی میتوانند به تقاضای دادستان از متهم تامین اخذ نمایند. صدور قرار تامین خواسته نیز در این مرحله با دادگاه است. تصمیم دادگاه در این موارد همچنین در موردی که تامین متهم تشدید میشود، قطعی است.

(الحاقی مصوب ۱۳۵۲/۱۱/۱۲)

- در ماده ۲۰۰ د. ک. بشرح زیر، "جنحه یا جنایتی" به "جرم" تبدیل میشود.  
ماده ۲۰۰ - هرگاه یکی از تبعه ایران در خارجه مرتکب جنحه یا جنایتی شده و در ایران بدست بیاید در محکمه محاکمه میشود که در حوزة او مقصرا یا افتداند.

- در مواد ۲۱۵ و ۲۱۶ د. ک. بشرح زیر، "صلحیه" به "کیفری" تبدیل میشود.  
ماده ۲۱۵ - اداره نظمیة و مامورین دولتی هرگاه جرائمی را کشف کنند که رسیدگی آن راجع به محاکم صلحیه بوده و صرفنظر از وجود یا فقد مدعی یا شاکی قابل تعقیب باشد بمحاکم صلحیه اطلاع میدهند.  
در موارد مزبوره باید اطلاعات ذیل صریحا در اعلام نامه قید شود.

۱ - جرم در کجا واقع شده است ؟

۲ - کی طرف ظن است و به چه دلیل ؟

۳ - منشی و شهودی هست یا نه ؟

۴ - محل اقامت اشخاص مذکور ( در صورتی که باشند )

ماده ۲۱۶ - در موردی که اداره نظمیة و مامورین دولتی اعلام جرمی به محکمه صلحیه مینمایند در موارد ذیل میتوانند مقصر را هم با اعلام نامه به محکمه صلحیه بفرستند.

۱ - در صورتی که نظمیة مرتکب را در حین ارتکاب بدست آورده است و محل اقامت او معین نیست و نمیتوان اطمینان بماظهار او در باب اسم و محل اقامت او حاصل نمود ..  
۲ - در صورتیکه عمل مرتکب مستلزم مجازات حبس است و احتمال می رود که آثار ارتکاب خود را معدوم نماید یا فرار کند.

- در بند ۱ قسمت دوم ماده ۲۴۶ د. ک. بشرح زیر، " به جنایات " به " جرائم مهم " تبدیل میشود.

- ماده ۲۴۶ - شهادت اشخاص ذیل را بدون خواستن التزام استماع مینمایند .  
اول - اشخاصی که به حد بلوغ نرسیده‌اند .  
دوم - اشخاصی مفصله ذیل در صورتیکه یکی از طرفین آنان را رد کرده باشند .  
۱ - اشخاصیکه بواسطه ارتکاب بجنایات محکوم به مجازات شده‌اند .  
۲ - زوج یا زوجه مدعی خصوصی و اسلاف و اعقاب یا برادران و خواهران و سایر اقربای او تا درجه سوم از طبقه دوم .

(اصلاحی مصوب ۱۳۳۷/۵/۱)

- ۳ - اشخاصی که قیم یا ولی یا مباشر امور یکی از طرفین هستند یا با یکی از طرفین محاکمه دارند .

- در ماده ۲۴۲ د.ک بشرح زیر " محکمه صلح " به " محکمه " تبدیل میشود .  
ماده ۲۶۲ - دراموری که ممکن است به صلح ختم شود قبل از صدور حکم محکمه صلح جهد وافی در اصلاح ذات‌البین بعمل می‌آورد و هرگاه موفق نشد حکم میدهد .  
ماده ۲۶۳ - هرگاه متهم برای اتهام مورد محاکمه توقیف باشد در صورت تبرئه فوراً آزاد میشود .

(اصلاحی مصوب ۱۳۳۷/۵/۱)

- در ماده ۲۷۱ د.ک بشرح زیر ، " امین صلح " به " قاضی " تبدیل میشود .  
ماده ۲۷۱ - حکم بعد از اعلام باید در ظرف ۳ روز انشاء شود و در حکم باید نکات ذیل مصرح باشد .

- الف - تاریخ حکم .  
ب - اسم و اسم پدر اشخاصی که در امر جزائی دخیل بوده‌اند .  
ج - دلایل مدرک حکم .  
د - ماهیت حکم و قوانینی که مبنای حکم است .  
ه - تعیین مقدار مخارج محاکمه .  
حکم باید بهامضای امین صلح برسد .

- در ماده ۲۴۳ د.ک بشرح زیر عبارت " موارد استدعای تمیز از قرار ذیل است " به عبارت " علاوه بر موارد مذکور در ماده ۲۸۴ قانون اصلاح مواد رأئین دادرسی کیفری

موارد تجدیدنظر در دیوان عالی کشور از قرار ذیل است " تبدیل میشود .

ماده ۴۳۰ - موارد استدعای تمیز از قرار ذیل است .

۱ - در صورت نقض قوانین در باب تقصیر و مجازات آن .

۲ - در مورد عدم رعایت اصول و قوانین محاکمات جزائی در صورتیکه عدم رعایت

قوانین مزبوره باندازه اهمیت داشته باشد که در حکم محکمه موثر بوده و آنرا از اعتبار حکم قانونی بیندازد .

- در ماده ۴۶۹ د. ک. بشرح زیر " دیوان تمیز " به " دادگاه " تبدیل میشود .

ماده ۴۶۹ - رای دیوان تمیز در باب قبول اعاده محاکمه اجرای حکم را در صورتیکه اجرائشده باشد تا زمانی که اعاده محاکمه به انتهای نرسیده و حکم مجدد صادرشده بتعویق می اندازد ولی تامین لازم برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن محکوم علیه بعمل می آید . تبصره - مرجع درخواست تامین دادگاهی است که پس از تجویز اعاده دادرسی بموضوع رسیدگی مینماید .

( الحاقی مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ )

- در ماده ۴۷۳ د. ک. بشرح زیر عبارت " احکام دادگاههای جزائی در موارد

ذیل " به " احکام دادگاهها پس از قطعییت " تبدیل میشود .

ماده ۴۷۳ - احکام دادگاههای جزائی در موارد ذیل بموقع اجراء گذاشته میشود .

( الحاقی مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ )

۱ - در صورت عدم اعتراض یا شکایت پژوهشی ، فرجامی در مهلت قانونی .

۲ - در مورد ابرام حکم در دیوان کشور .

۳ - در مواردی که تقاضای فرجام رد گردیده یا قرار رد درخواست پژوهشی قطعی شده باشد .

تبصره - در مورد احکامی که مهلت شکایت از تاریخ ابلاغ واقعی حکم شروع میشود چنانکه حکم دادگاه بطریق دیگری غیر از ابلاغ واقعی ابلاغ شده و متهم ظرف مهلت قانونی شکایت نکرده باشد حکم بموقع اجراء گذاشته میشود .

هرگاه محکوم علیه پس از ابلاغ واقعی شکایت نماید اجرای حکم تا صدور حکم قطعی

بناخیر می افتد .

( الحاقی مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ و اصلاحی مصوب ۴۸/۳/۱۲ )

— در ماده ۴۷۴ د. ک. بشرح زیر عبارت " حکمی که صادر شده " به " حکم غیابی " تبدیل میشود .

ماده ۴۷۴ — هرگاه حکمی که صادر شده راجع به چند نفر محکوم علیه باشد و بعضی از آنان در مدت مقرر از حکم مذکور شکایت نمایند حکم مذکور بعد از انقضای مدت استیناف یا تمیز درباره سایر اشخاصی که شکایت نکردند یا با آنها شاخصی شکایت کنند ملحق نشد مانند قابل اجرا خواهد بود .

— در ماده ۴۷۵ د. ک. بشرح زیر کلمه " حکمی " به " حکم غیابی " تبدیل میشود .  
ماده ۴۷۵ — هرگاه در مدت مقرر از حکمی فقط نسبت به ضرر و زیان شکایت شود ، مفاد آن حکم نسبت به سایر موادی که موضوع شکایت نیست بموقع اجراء گذاشته میشود .

— در ماده ۴۸۴ ( بند ۵ ) د. ک. بشرح زیر عبارت " ولی تادیه خسارت و مخارج عدلیه از مال او به عمل می آید " به عبارت " ولی تادیه ضرر و زیان و محکوم به مالی از مال او به عمل می آید " تبدیل میشود .

ماده ۴۸۴ — در موارد ذیل احکام قابل اجرا فوراً بموقع اجراء گذاشته نمیشود .  
۱ — در مورد محکوم علیه مریض ، در صورتیکه مرض او مانع از اجرای مجازات به شخص اوست .

۲ — در مورد زنان حامله یا زنانی که تازه وضع حمل کرده اند تا سه ماه بعد از وضع حمل .

( اصلاحی مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ )

۳ — در مورد زنانی که اطفال رضیع خود را شیر میدهند تا زمانیکه طفل آنان بسن دوسال برسد ولی این در مواردی است که اجرای مجازات ضرری به طفل برساند .

۴ — در مورد لزوم تبدیل مجازاتی بهمجازات دیگر که مطابقت داشته باشد . در این صورت اجرای مجازات اولی تا امر تبدیل بعمل نیامده است بتعویق می افتد .

۵ — در صورت فرار محکوم علیه که اجرای حکم تا زمان دستگیر شدن او به تعویق می افتد ولی تادیه خسارت و مخارج عدلیه از مال او بعمل می آید .

— در بند د ماده ۱۹۸ قانون اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب شهریور ۱۳۶۱ بشرح زیر عبارت " جرمی که کیفر آن معادل ۲۰۰ هزار تومان و بالاتر و یا

معادل دوینجم اموال مجرم و بالاتر باشد " به عبارت " جرمی که کیفر آن دویست هزار تومان جزای نقدی و یا بالاتر باشد " تبدیل میشود .

ماده ۱۹۸ - دادگاههای کیفری یک به جرمهای زیر رسیدگی مینماید .

الف - جرمی که کیفر آن اعدام ، رجم ، صلب و نفی بلد بعنوان حد باشد .

ب - جرمی که کیفر آن قطع یا نقص عضو باشد .

ج - جرمی که کیفر آن بحسب قانون ۱۰ سال زندان و بالاتر باشد .

د - جرمی که کیفر آن معادل ۲۰۰ هزار تومان و بالاتر و یا معادل دوینجم اموال مجرم و بالاتر باشد .

تبصره ۱ - هرگاه کیفر الف و ب از باب قصاص مترتب بر عمد باشد به خطا و شبه عمد چنین جرمی نیز در دادگاه کیفری ۱ رسیدگی خواهد شد .

تبصره ۲ - هرگاه جرمی که ادعا شده احتمال ترتب یکی از کیفرهای مذکور بر آن باشد و پس از ختم دادرسی معلوم شود که کیفر آن کمتر از امور مذکوره است دادگاه کیفری درجه ۱ مبادرت به انشاء حکم خواهد کرد .

#### ضمیمه قسمت ه

- در ماده ۲۹ د. د. ک بشرح زیر رقم (۱) از ابتدای بند (۱) و تمامی عبارات بندهای

۲ و ۳ حذف میشود .

ماده ۹ - شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر روزیان میشود و به تبع ادعای دادستان مطالبه ضرر و زیان میکند مدعی خصوصی است و مادام که دادخواست ضرر و زیان تسلیم نکرده شاکی خصوصی نامید نمیشود .

ضرر روزیانی که قابل مطالبه است بشرح ذیل میباشد .

۱- ضرر و زیانهای مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است .

۲- ضرر و زیان معنوی که عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی

۳- منافعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم مدعی خصوصی از آن محروم

میشود .

( اصلاحی مصوب ۲۳ و ۳۰ بهمن ۱۳۳۵ )

- در ماده ۱۲ د. د. ک بشرح زیر و تبصره آن عبارت " در موارد جنحه و جنایت "

و " در امور جنائی قبل از تشکیل جلسه مقدماتی " و کلمه " جنحه " حذف میشود .

ماده ۱۲ - همینکه متهم بجهتی از جهات قانونی تحت تعقیب قرار گرفت متضرر از جرم میتواند کلیه دلایل و مدارک خود را اعلام از اصل یا رونوشت به ما مور تعقیب تسلیم کند که ضمیمه پرونده شود و نیز میتواند در موارد جنحه و خلاف تا اولین جلسه دادرسی و در امور جنائی قبل از تشکیل جلسه مقدماتی تسلیم دادگاه کرده و مطالبه ضرر و زیان نماید در این موارد رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی راجع به دادخواست و جریان آن لازم نیست .  
( اصلاحی مصوب ۲۳ و ۳۰ بهمن ۱۳۳۵ )

تصره - پس از صدور کیفرخواست و ارسال آن بدادگاه ، دفتر دادگاه جنحه مکلف است وقت جلسه دادرسی را بشاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ نماید مع الوصف عدم ابلاغ اخطاریه بشاکی خصوصی که تا اولین جلسه دادرسی دادخواست ندادده موجب تجدید جلسه نخواهد شد .

در این مورد شاکی خصوصی میتواند ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اخطار ، دادخواست ضرر و زیان خود را تقدیم کند . و دادگاه با رعایت ماده ۱۴ این قانون بدعوی ضرر و زیان نیز رسیدگی میکند هر چند از رسیدگی با مر جزائی فارغ شده باشد .

( تبصره ماده ۱۲ که الحاقی بهمن ماه ۳۵ بود موبشرح بالا اصلاحی مصوب ۱۱/۲/۱۳۵۲ )

در ماده ۱۴ آ. د. ک. بشرح زیر عبارت " با وجود حکم به محکومیت متهم " حذف میشود .

ماده ۱۴ - هرگاه دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است ضمن صدور حکم جزائی حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید . مگر اینکه رسیدگی به ضرر و زیان محتاج به تحقیقات بیشتری باشد که در آن صورت دادگاه حکم جزائی را صادر نموده بعد نسبت به ضرر و زیان رسیدگی کرده حکم خواهد داد در هر حال دادگاه جزائی نمیتواند با وجود حکم به محکومیت متهم ، رسیدگی به دعوی خصوصی را به دادگاه حقوقی احاله کند .

( اصلاحی مصوب ۲۲ و ۳۰/۱۱/۱۳۲۵ )

در ماده ۲۳۷ آ. د. ک. بشرح زیر عبارت " مراجعه به جنحه و جنایت " حذف میشود .

ماده ۳۷ - مستنطق در موقع تحقیقات راجعه به جنحه و جنایت تقاضای قانونی مدعی العموم را مجری داشته مراتب را در صورت مجلس یا دفتر قید میکند و درگاه در موقع

اجرای تقاضای مدعی العموم مستنطق دچار اشکال شود حتی المقدور اجرای آن تقاضا را کرده در باب اشکال بمدعی العموم رجوع کرده منتظر حل مشکل خود میشود .

— در مواد ۲۱ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۳ و ۵۹ و ۷۱ و ۷۲ و ۸۹ و ۱۲۳ و ۱۵۴ و ۱۵۸ و ۱۶۱ و ۱۶۳ و ۱۷۶ ، آ. د. آ. ک بشرح زیر دو کلمه " ابتدائی " و " ابتدائیه " حذف میشود .

ماده ۲۱ — وقتی که علامات و امارات وقوع جرمی مشکوک باشد یا نظمیه به اخبار افواهی مطلع از وقوع جرمی بشود و یا کلیتا اطلاعات نظمیه از منابع صحیحی نباشد ، کمیسرهای نظمیه باید قبل از دادن اطلاع به مقامات لازمه تحقیقات در صحت و سقم شایعه یا خبر بعمل آورده معلوم نمایند که واقعه روی داده یا نه و اگر اتفاقی افتاده علائم و آثار جرمی را داراست یا نه . نتیجه تحقیقات خود را در این موارد نظمیه بمدعی العموم ابتدائی یا معاون او اطلاع میدهد و مشارالیه نظریه نتیجه تحقیقات دنبال کردن تحقیقات و تعقیب مسئله را موقوف میدارد و یا تکمیل آنرا از نظمیه میخواهد .

ماده ۵۰ — هریک از طرفین متهم و مدعی خصوصی بهمان جهت با جهاتی که موجب رد حکام عدلیه میباشد میتوانند اظهارنامه بخود مستنطق داده او را رد کند . در موارد رد مستنطق خودش نیز باید از اجرای تحقیقات و استنتاجات استعفا نموده مراتب را به محکمه ابتدائی اطلاع دهد .

ماده ۵۱ — هرگاه اظهار رد بمدعاستنطق بشود مشارالیه اظهارنامه را بمراتب محکمه ابتدائی تقدیم کرده تحقیقات خود را قبل از صدور حکم محکمه مذکور قطع نمیکند ولی اگر خودش استعفا نماید مراتب را بمدعی العموم ابتدائی اطلاع داده دیگر به تحقیقات مداخله نمیکند .  
ماده ۵۲ — مستنطق نمیتواند به عذر اینکه متهم یا مجرم مخفی شده است یا اینکه متهم یا مجرم معین نیست تحقیقات خود را موقوف بدارد .

ماده ۵۳ — هر مستنطقی فقط در حوزة محکمه ابتدائیه که در آن مأموریت دارد ایفاء وظیفه می نماید .

ماده ۵۹ — نظارت در تحقیقات بعهده مدعی العموم محکمه ابتدائی است که در حوزة مأموریت او تحقیقات بعمل می آید و لولاینکه تحقیقات راجع بامری باشد که خارج از قلمرو او اتفاق افتاده .

ماده ۷۱ — مدعی العموم ابتدائی و معاون او میتوانند بموجب اطلاعات حاصله با بنظر خودشان تقاضای اجرای تحقیقات و تعقیب امری را بنمایند ولی تقاضای تحقیقات را بدون دلایل کافی نباید بکنند و اگر امر مشکوک است باید بواسطه تفتیشات مخفی نظمیه



تحصیل اطلاعات لازمه را بنماید .

ماده ۷۲ - هرگاه مستنطق درحین تحقیقات جرمی کشف جرم دیگری بنماید که بجرم اولی مربوط نیست اقدامات لازمه را موافق قوانین برای حفظ آثار و امارات جرم ثانوی و جلوگیری از فرار متهم کرده ، مراتب را بتمدعی العموم ابتدائی اطلاع می دهد و فقط پس از اجازه مشارالیه بد تحقیقات مقدماتی جرم ثانوی شروع میکند .

ماده ۸۹ - هرگاه درضمن تحقیقات مستنطق مشاهده نماید که متهم مجنون یا مشاعرش مختل است به توسط طبیب تحقیقات لازمه را بعمل آورده و بعد از استعلام از کسان و اقربای او مراتب را در صورت مجلس قید کرده دوسیه کار را نزد مدعی العموم ابتدائی میفرستد مدعی العموم پس از مذاقه در دوسیه کار هرگاه تحقیقات مستنطق و اهل خبره را کامل دید و از صحت آن مطمئن شد تقاضا نامه ترک تعقیب را بهدائرا مستنطق فرستاده شخص مجنون یا مختل المشاعر را به اداره مقتضیه برای اقدام لازم میفرستد و اگر اطمینان به صحت تحقیقات حاصل نکرد میتواند تحقیقات اهل خبره دیگر را بخواهد .

ماده ۱۲۳ - مستنطق مکلف است که در ظرف ۲۴ ساعت از زمان حاضر شدن یا حاضر کردن متهم استنطاقات اولیه را بعمل آورده و در ظرف این مدت اگر شروع در استنطاقات نشده باشد مستحفظین متهم را نزد مدعی العموم ابتدائی برده و مشارالیه استنطاق فوری او را از مستنطق می خواهد و اگر مستنطق امتناع ورزد و یا غائب باشد و یا اینکه عذر موجهی در تاخیر استنطاق داشته باشد مدعی العموم استنطاق را از رئیس پایکی از اعضای محکمه ابتدائی که خودش معین میکند ، می خواهد .

ماده ۱۵۴ - در صورتیکه شخص شاهد یا مطلع مریض باشد و نتواند حاضر شود مستنطق خود به محل اقامت مریض رفته استنطاق میکند و اگر بعد مسافت مانع باشد در صورتی که اقامتگاه مطلعین در همان حوزه ابتدائی که مستنطق در آن ماوریت دارد واقع است به امین صلح اقامتگاه مطلع ، تعلیمات لازمه میدهد که اظهارات مطلعین را استماع نموده صورت آنرا برای مستنطقین ارسال دارد و هرگاه محل اقامت در حوزه ابتدائی دیگری باشد ، به مستنطق آن حوزه رجوع مینماید .

ماده ۱۵۸ - مستنطق تاریخ تحقیقات محلی را بتمدعی العموم محکمه ابتدائی یا معاون او اطلاع میدهد و هرگاه متهم کد در تحت توقیف است مایل باشد که در تحقیقات حضور بهمرساند به محل تحقیقات فرستاده میشود .

ماده ۱۶۱ - پس از آنکه استنطاق متهم تمام شد مستنطق به متهم اعلام می دارد که اگر در براءت خودش باز اظهاری دارد بنماید و پس از اظهار آخری متهم مستنطق

تحقیقات را ختم و بعداً ز اظهار عقیده خود در ذیل تحقیقات امر بلاغ آنرا به مدعی العموم درج نموده صورت تحقیقات و استنتاجات را نزد مدعی العموم محکمه ابتدائی ارسال می دارد .

تبصره - هرگاه متهم در آخرین دفاع دلیل موثری بر کشف حقیقت ابراز نماید ، باز پرس مکلف به رسیدگی است .

(الحاقی مصوب ۲۳ و ۳۰/۱۱/۱۳۳۵)

ماده ۱۶۳ - مدعی العموم محکمه ابتدائی باید در ظرف ۳ روز دو سیمه تحقیقات و استنتاجات را ملاحظه نموده تقاضا نامه خود را در ذیل دوسیه نوشته به مستنطق معاودت دهد .

ماده ۱۶۶ - شکایت از اداره تنظیم پرونده را به مدعی العموم محکمه ابتدائی داده میشود .

- در ماده ۲۹۰ د. ک بشرح زیر "جنحه جنایت" حذف میشود .

ماده ۹۰ - هرگاه اثرات جنون یا اختلال مشاعر در متهم بعد از تحقیقات مقدماتی و استنتاج و قبل از محاکمه ظاهر شود ، تحقیقات در خود محکمه جنحه یا جنایت بعمل می آید .

- در ماده ۲۹۹ د. ک بشرح زیر "به جنایت" حذف میشود .

ماده ۹۹ - در مواردی که لازم شود نوشتجات متهم به جنایت یا نوشتجاتی که به اسم متهم توسط پستخانه یا تلگرافخانه وارد شده است معاینه و تفتیش شود از قرار ذیل رفتار میشود .

۱ - مستنطق هر دفعه علیحده به اداره پستخانه یا تلگرافخانه اطلاع می دهد که مکتوب یا تلگراف متهم به جنایت را توقیف نموده نزد مستنطق بفرستد و بعد از وصول مکتوب یا تلگراف آنرا در حضور متهم باز کرده صورتمجلسی در آن باب ترتیب داده خودش و منشی و متهم امضاء میکنند ، اگر متهم نخواهد امضاء کند مراتب قید میشود .

۲ - نوشتجاتی که برای کار اهمیت دارد داخل دوسیه میشود و آنچه گمراه بکار نیست به صاحبش مسترد و قبض رسید دریافت میشود .

- در ماده ۲۱۱۵ د. ک بشرح زیر تمامی عبارات بند (۱) و عبارت "در اهمیت کمتر

از فقره اول است ولی" در بند ۲ حذف میشود .

ماده ۱۱۵ - مستنطق میتواند در موارد ذیل بدون اینکه بدوا حضار نامه فرستاده

باشد حکم جلب را بدهد .

۱ - در موارد اتهام به جنایتی که مجازات آنها جزای تریهیبی و ترذیلی است ( رجوع به قانون جزا ) .

۲ - در مورد اتهام به جرمی که در اهمیت کمتر از فقره اول است ولی بیم فرار و مخفی شدن متهم می‌رود .

۳ - در مورد متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسبشان معین نیست .

- در ماده ۱۳۰ مکرر آ. د. ک بشرح زیر ، بندهای ۱ و ۲ و رقم (۳) از ابتدای بند (۳) حذف می‌شود .

ماده ۱۳۰ مکرر - در موارد ذیل توقیف متهم جایز است .

۱- در جنایات مطلقا .

۲- در امور جنحه وقتی که متهم ولگرد بوده و کفیل و یا وثیقه ندهد .

۳- در هر موردی که آزاد بودن متهم ممکن است موجب امحاء آثار و دلایل جرم شده و یا باعث مواضع و تبانی با شهود و مطلعین واقع گردیده یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع کنند . همچنین در موقعی که بیم فرار یا پنهان شدن متهم باشد و بطریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود .

( اصلاحی و الحاقی مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۰ )

تبصره - درباره کسانی که با اتهام سرقت یا کلاهبرداری و یا جعل و یا استفاده از سند مجعول مورد تعقیب قرار می‌گیرند هرگاه دلائل و قرائن موجود دلالت بر توجها اتهام بدانان نماید و یک فقره سابقه محکومیت قطعی و یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی بعلت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور داشته باشند قرار بازداشت صادر خواهد شد .

( الحاقی مصوب ۱۳۵۲/۱۱/۱۲ )

- در ماده ۱۳۶ مکرر آ. د. ک بشرح زیر دو عبارت " و در صورت عدم تأدیبه وجه الکفاله کفیل در مقابل هر ه ۵ ریال یک روز توقیف خواهد شد . " و عبارت " مدت توقیف در هر حال از یک سال تجاوز نخواهد کرد " حذف می‌شود .

ماده ۱۳۶ مکرر - هرگاه متهمی که التزام یا وثیقه داده در موقعی که حضور او لازم دانسته شده بدون عذر موجه حاضر نگردد وجه التزام بدستور دادستان از متهم اخذ و وثیقه بنفع دولت ضبط خواهد شد متهم میتواند پس از ابلاغ دستور دادستان در ظرف ۱۰ روز به دادگاه شهرستان شکایت نماید .

اگر متهمی کفیل داده و درموقعی که حضور او لازم بوده حاضر نشده به کفیل اخطار میشود در ظرف ۲۰ روز متهم را تسلیم نماید در صورت عدم تسلیم بدستور دادستان و جمالکفاله اخذ و در صورت عدم تادیه و جمالکفاله کفیل در مقابل هر ۵۰ ریال یک روز توقیف خواهد شد و مدت توقیف در هر حال از یک سال تجاوز نخواهد کرد کفیل نیز می تواند از روز ابلاغ دستور دادستان در ظرف ۱۰ روز به دادگاه شهرستان شکایت نماید دادگاه باید فوراً و خارج از نوبت رسیدگی و تعیین تکلیف نماید .

تبصره - خواستن متهم از کفیل جز در موردی که حضور متهم برای بازپرسی یا محاکمه یا اجراء حکم ضرورت دارد ممنوع است متهم و کفیل میتوانند در موارد ذیل به دادگاه مراجعه نمایند .

۱ - در صورتی که کفیل بخواهد ثابت کند متهم را در موعد مقرر حاضر کرده است .

۲ - در صورتی که کفیل یا متهم بخواهند ثابت کنند در موعد مقرر خود متهم شخصاً حاضر شده است .

۳ - در صورتی که کفیل بخواهد ثابت کند شخص ثالثی متهم را در موعد مقرر حاضر کرده است .

۴ - هرگاه کفیل بخواهد ثابت کند در موارد مذکور در ماده ۱۱۳ آئین دادرسی کیفری مکفول نتوانسته حاضر شود ، یا اینکه خودش بهمیکی از آن جهات نتوانسته مکفول را حاضر کند و همچنین متهم برای براءت خود به ماده ۱۱۳ متوسل شود .

۵ - در صورتیکه بخواهد ثابت کند که مکفول قبل از موعد مقرر فوت کرده بوده .

۶ - در صورتی که کفیل تا متهم بخواهند ثابت نمایند پس از صدور قرار قبول کفالت یا التزام معسر شده اند .

- در ماده ۲۱۶۲ . د . ک بشرح زیر عبارت " از خلاف یا جنحه یا جنایت " حذف میشود .

ماده ۱۶۲ - اگر مستنطق را عقیده بر آن باشد که عمل شخص متهم متضمن هیچ جرمی از خلاف یا جنحه یا جنایت نیست عقیده خود را بر عدم تقصیر مشارالیه در ذیل تحقیقات اظهار میدارد و اگر عقیده مستنطق بر تقصیر متهم است صریحاً آنرا قید میکند .

- در مواد ۱۶۷ و ۱۷۴ و ۲۱۷۸ . د . ک بشرح زیر کلمه " استیناف " حذف میشود .

ماده ۱۶۷ - هرگاه موافقت عقیده مابین مستنطق و مدعی العموم حاصل نشود ( یکی

متهم را مقصر بداند و دیگری بی تقصیر بداند یا بالعکس ) رفع اختلاف راجع به محکمه استیناف شده موافق قرار محکمه مذکوره رفتار میشود .

ماده ۱۷۴ - اعتراض باعث توقیف جریان تحقیقات و استنتاجات نمیشود و کلیه اقدامات مستنطق بحال خود باقی میماند تا حکم محکمه استیناف صادر شود . لہذا شخصی متهمی که به حکم مستنطق توقیف شده بحال توقیف خواهد بود تا حکم محکمه استیناف صادر شود ولی در مورد حکم آزادی متهم حکم مزبور با تحصیل تامین کافی مجری میشود .  
ماده ۱۷۸ محکمه پس از رسیدگی موافق قواعد مقررہ بدون حضور مدعی العموم مشاوره نموده قرار جلب مقصر را به محاکمه یا منع تعقیب و محاکمه را میدهد . محکمه استیناف میتواند در صورت کافی نبودن تحقیقات قرار تکمیل آنرا بدهد .

- در ماده ۱۶۹ و تبصره آن کلمه " جنحه " و عبارت " وهم چنین دادستان استان میتواند از دادگاه جنائی و دادگاه استان درخواست تشدید یا تخفیف تامین کند " و عبارت " جنحه یا استان یا جنائی " حذف میشود .

ماده ۱۶۹ - دادستان شهرستان در جریان تحقیقات و حتی بعد از صدور قرار نهائی و قبل از تنظیم کیفرخواست میتواند از بازپرس درخواست تشدید یا تخفیف تامین نماید . در صورت تقاضای تشدید هرگاه بین بازپرس و دادستان موافقت حاصل نشود پرونده برای رفع اختلاف به دادگاه شهرستان ارسال میشود . دادگاه در جلسه اداری خارج از نوبت رسیدگی و اظهار نظر میکند و بازپرس طبق نظر دادگاه اقدام می نماید و پس از تنظیم کیفرخواست دادستان شهرستان نیز میتواند از دادگاه جنحه موجه درخواست تشدید یا تخفیف نماید و همچنین دادستان استان میتواند از دادگاه جنائی و دادگاه استان درخواست تشدید یا تخفیف تامین کند . قرار دادگاه در صورتی که مبنی بر تخفیف یابد درخواست باشد قطعی است .

هرگاه متهم از دادگاه درخواست تخفیف یا تبدیلی تامین کند دادگاه بدرخواست متهم رسیدگی و قرار مقتضی صادر می نماید قراردادگاه در این مورد قطعی است . متهم نیز میتواند از دادگاههای مذکور درخواست تخفیف نماید .

تقاضای فرجام نسبت بماصل حکم مانع از آن نخواهد بود که دیوان جنائی و یا دادگاه استان و یا دادگاه جنحه که از حکم آنها تقاضای فرجام شده است نسبت به تقاضای تخفیف تامین رسیدگی نماید و در صورت تقاضا از دادگاه کلیه اقدامات مربوط به قبول تخفیف تامین نیز با خود دادگاه است .

تبصره - در مواردی که پرونده متهم در دادگاه مطرح شده و از متهم قبلاً تا مین  
اخذ نشده یا تا مین قبلی منتفی شده باشد دادگاههای جذبه یا استان یا جناحی میتوانند  
به تقاضای دادستان از متهم تا مین اخذ نمایند . صدور قرار تا مین خواسته نیز در این  
مرحله با دادگاه است . تصمیم دادگاه در این موارد همچنین در موردی که تا مین متهم  
تشدید میشود ، قطعی است .

- در بندهای ۱ و ۳ و ۷ ماده ۱۷۱ ت. د. ک بشرح زیر " دادستان یا " حذف میشود ،  
ماده ۱۷۱ - قرارهای باز پرس در موارد ذیل قابل شکایت است .

- ۱- قرار عدم صلاحیت . به تقاضای دادستان یا متهم .
  - ۲- قرار منع تعقیب که با موافقت دادستان صادر شده . به تقاضای شاکی خصوصی .
  - ۳- قرار ناطه که طبق ماده ۱۷۷ صادر میشود . به تقاضای دادستان یا شاکی خصوصی .
  - ۴- قرار توقیف متهم . به تقاضای متهم .
  - ۵- قرار تشدید تا مین که با موافقت دادستان صادر میشود . به تقاضای متهم .
  - ۶- قرار تا مین خواسته که طبق ماده ۶۸ صادر میشود . به تقاضای متهم .
  - ۷- قرار موقوف ماندن تعقیب . به تقاضای دادستان یا شاکی خصوصی .
- مهلت شکایت از قرارهای فوق ده روز است و ابتدای آن از روز اعلام یا ابلاغ  
قرار است .

( الحاقی مصوب ۱۳۵۲/۱۱/۲ )

- در مواد ۲۱۲ و ۲۱۳ ت. د. ک بشرح زیر " در امور جرحه " حذف میشود .  
ماده ۲۱۲ - عرض حال ممکن است کتبی یا شفاهی باشد و اگر شفاهی باشد باید  
در دفتر محکمه صلحیه قید شده بعد از قرائت به امضای مدعی برسد و اگر نتواند امضاء  
نماید مراتب قید می شود .  
ماده ۲۱۳ - هرگاه طرف مدعی غیر معین بوده یا دلایل اقامه دعوی کافی نباشد و  
امر از اموری باشد که اهمیت داشت و صرف نظر از شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب و  
رسیدگی باشد محکمه صلحیه به کمیسر پلیس یا قائم مقام او مراتب را اطلاع داد تا برای  
تحقیقات لازم را بخواهد .

- در تبصره ماده ۲۱۹ ت. د. ک بشرح زیر " در امور جرحه " حذف میشود .

ماده ۲۱۹ - در احضار نامه باید قید شود .

۱ - اسم و شهرت کسیکه احضار میشود .

۲ - محکمه که احضار میکند .

۳ - جهت احضار .

۴ - نتیجه عدم حضور .

تبصره - قواعد تبلیغ احضار در امور جزائی و ابلاغ احکام در امور جنحه همان است

که در قوانین محاکمات حقوقی مقرر است .

( اصلاحی مصوب ۱۶۱۳/۲/۲۷ )

- در ماده ۲۲۵ د. ک. بشرح زیر " محل اقامت آنان درجائی است که بیش از دو

فرسخ از صلحیه مسافت ندارد " حذف میشود .

ماده ۲۲۵ - هرگاه شهود بدون عذرموجه در روز مقرر حاضر نشدند و محل اقامت

آنان درجائی است که بیش از دوفرسخ از صلحیه مسافت ندارد به حکم محکمه جلب

خواهند شد .

- در مواد ۲۲۶ و ۲۲۷ د. ک. بشرح زیر کلمات " به صلحیه - صلح - صلحیه "

حذف میشود .

ماده ۲۲۶ - شاهد میتواند در ظرف یک هفته عذرموجه خود را به صلحیه پیشنهاد

کند و هرگاه محکمه صلح اعتذار او را پذیرفت جلب نشده احضار نامه ثانوی فرستاده

خواهد شد .

ماده ۲۲۷ - هرگاه عده شهود زیاد بوده و تماماً در محلی مقیم باشند یا شاهد

بواسطه مرضی نتواند در محکمه حاضر شود در محل یا در منزل شخصی استماع شهادت

آنان خواهد شد و هرگاه شاهد در حوزة محکمه صلحیه دیگری اقامت داشته و بعد مسافت

بیش از دو فرسخ باشد میتوان شهادت او را به توسط آن محکمه صلح استماع نمود .

- در ماده ۲۲۷ د. ک. بشرح زیر " و بعد مسافت بیش از دوفرسخ نباشد " حذف

می شود .

- در مواد ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۲، د. د. ک بشرح زیر کلمه " صلح " حذف می شود.

ماده ۲۴۸ - هر دفعه که محکمه صلح شهادت شاهد طرفی را استماع مینماید بطرف دیگر اظهار میدارد که اگر شاهد سوالی لازم میدانند، بنماید.

ماده ۲۴۹ - حاکم صلح سوالاتی را که برای رفع اختلاف و توضیحات مساله لازم است از طرفین و شهود آنان خواهد کرد در صورتیکه متهم جواب سوالات را ندهد، محکمه صلح بدون اینکه متهم را به دادن جواب مجبور کند شروع به رسیدگی دلائل می نماید و دلائل طرفی را بطرف دیگر اظهار داشته، جواب میخواهد.

ماده ۲۵۰ - در مواردی که ممکن است دعوی به صلح ختم شود محکمه صلح به رسیدگی دلائلی که طرفین اظهار مینمایند، اکتفا میکند.

ماده ۲۵۲ - هرگاه یکی از طرفین ایراد موجهی به صحت تحقیقات تنظیم بنماید، محکمه صلح باید شخصا به تحقیقات مزبوره رسیدگی کند.

- تمامی عبارت بند هر در ماده ۲۷۱، د. د. ک به شرح زیر، حذف میشود.

ماده ۲۷۱ - حکم بعد از اعلام باید در ظرف ۳ روز انشاء شود و در حکم باید نکات ذیل مصرح باشد.

الف - تاریخ حکم.

ب - اسم و اسم پدر اشخاصی که در امر جزائی دخیل بود مانند.

ج - دلایل مدرک حکم.

د - ماهیت حکم و قوانینی که مبنای حکم است.

ه - تعیین مقدار مخارج محاکمه.

حکم باید بامضای امین صلح برسد.

- در ماده ۲۳۰، د. د. ک بشرح زیر عبارت " ولیکن محکوم علیه در موعد مقرر حق استیناف خواهد داشت " حذف میشود.

ماده ۳۲۰ - هرگاه محکوم علیه پس از صدور حکم حاضر شده و اعتراض بر حکم نماید در صورتیکه اعتراض او برفوق صحت باشد آن حکم از درجه اعتبار ساقط و حکم مجدد صادر میشود و هرگاه اعتراض او مقرون به صحت نباشد حکم سابق در اعتبار خود باقی می ماند ولیکن محکوم علیه در موعد مقرر حق استیناف خواهد داشت.



- در ماده ۳۳۴ د. ک. ب شرح زیر عبارت " مرجع شکایت از دادگاه نسبت به دادرس دادگاه بخش . . . تا ابلاغ مینماید " حذف میشود .

ماده ۳۳۴ - اظهار زرد بیدادرس دادگاه تسلیم میشود هرگاه دادرس خود را مردود بدانند از رسیدگی امتناع مینماید و رسیدگی به دادرس علی البدل یا شعبه دیگر ارجاع میشود و در صورت نبودن دادرس علی البدل و شعبه دیگر رسیدگی به نزدیکترین دادگاه راجع است .

مرجع شکایت از رد ایراد نسبت به دادرس دادگاه بخش نزدیکترین دادگاه شهرستان و نسبت به دادرس دادگاه استان همان دادگاه استان ( بدون حضور دادرس مورد ایراد ) است که فوری در جلسه اداری رسیدگی کرده نظر خود را ابلاغ نماید .  
( اصلاحی مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ )

- در ماده ۳۳۸ د. ک. ب شرح زیر عبارت " احکام محاکم جنحه باید در ظرف ۲۴ ساعت بعد از صدور به امضای رئیس و اعضای محکمہ برسد و " حذف میشود .  
ماده ۳۳۸ - احکام محاکم جنحه باید در ظرف ۲۴ ساعت بعد از صدور به امضای رئیس و اعضای محکمہ برسد و ماهی دوم مرتبه اصل احکام را مدعی عمومی مطالبه کرده ملاحظه میکند . منشی محکمہ نمیتواند قبل از امضای حکم سوادای از آن به کسی دهد و الا از شغل خود معزول شده و دیگر به خدمت دولتی قبول نمیشود .

- در مواد ۴۴۴ و ۴۴۵ د. ک. ب شرح زیر عبارت " فرجام خواسته " حذف میشود .  
ماده ۴۴۴ - تقاضای فرجام اجرای حکم فرجام خواسته را از هر جهت تا تاخیر میاندازد مگر در مورد متهمی که توقیف بوده و حکم برائت او صادر شده که در این صورت متهم باید فوری آزاد گردد .

- در ماده ۴۵۱ د. ک. ب شرح زیر عبارت " در صورتیکه شعبه مرکب از رئیس و سه مستشار باشد ، عضو ممیز در رای شرکت نمی نماید و الا با شرکت عضو ممیز رای ما در میشود " حذف می شود .

ماده ۴۵۱ - در موقع رسیدگی عضو ممیز گزارش پرونده و او را قی را کلازم است ، قرائت مینماید و متداعیین یا وکلای آنها در صورتیکه احضار شده باشند میتوانند با اجازه رئیس شعبه مطالب و توضیحات خود را اظهار نمایند و سپس نمایندگان اظهار عقیده می کنند و بعد از بیان عقیده از شعبه میا درت به صدور رای مینماید در صورتیکه شعبه مرکب از رئیس

و سهم‌شمار باشد عضو ممیز در رای شرکت نمی‌نماید و الا با شرکت عضو ممیز رای صادر می‌شود ..

- در مواد ۴۵۲ و ۴۵۵ د. ک. بشرح زیر کلمه "فرجامی" حذف می‌شود .

ماده ۴۵۲ - متداعیین یا وکلای آنان برای رسیدگی فرجامی احضار نمی‌شوند مگر اینکه رئیس شعبه برای اداء توضیحات حضور آنان را لازم بداند که در این صورت کسانی که لازم است

ماده ۴۵۵ - رد دادخواست فرجامی موجب قطعیت حکم یا قراری است که از آن فرجام خواسته شده است .

- در ماده ۴۵۶ د. ک. بشرح زیر عبارت " در موردی که متهم به تنهایی شکایت فرجامی

کرده باشد رفع اشتباه می‌ضرر و اجرائی نیست " حذف می‌شود .

ماده ۴۵۶ - پس از آنکه دیوان کشور دادخواستی را پذیرفت و بعد از رسیدگی حکم دادگاه تالی را نقض نمود موضوع را بدون داخل شدن در ماهیت دعوی به شعبه دیگر همان دادگاه یا به دادگاهی که در عرض دادگاه صادرکننده حکم است ارجاع می‌نماید مگر اینکه نقض تمیزی بجهت نقض در تحقیقات باشد که در این صورت و همچنین در موارد قرارهای منقولش ارجاع امر به همان مرجع صادرکننده حکم خواهد بود و در مورد عدم صلاحیت ، پرونده به مرجع صلاحیت‌داری ارجاع میگردد .

- در ماده ۴۵۸ د. ک. بشرح زیر ، تمامی عبارت قسمت اول و تمامی عبارت قسمت

خامس ، حذف می‌شود .

ماده ۴۵۸ - دیوان تمیز در موارد ذیل در صورتی که حکمی را نقض کند ارجاع به محکمه دیگری نخواهد نمود و این موارد را موارد نقض بلا ارجاع گویند .  
اولا - در صورتی که ( در موارد عرفی ) مرور زمان قانونا موجب اسقاط حق اقامه دعوی شده باشد .

ثانیا - در صورتیکه نقض راجع به اساس حکم نباشد بلکه راجع به اموری باشد که به اساس حکم خلل وارد نمی‌آورد .

ثالثا - در صورتی که حکم صادر از محکمه تالی بر مجازات شخصی بعنوان جرم بوده و حال آنکه آن عمل بر فرض وقوع قانونا داخل در جرم نبوده و اصلا قابل مجازات نیست .  
رابعا - در صورتیکه در موارد تقصیرات سیاسی بعد از اعلان عفو عمومی حکم به مجازات

مقصر سیاسی صادر شده باشد .

خامسا - در مورد ماده ۴۳۴ .

- در ماده ۴۶۲. د. ک. بشرح زیر عبارت "شخص محکوم علیه یا" حذف میشود .  
ماده ۴۶۲ - در صورتیکه دیوان تمیز حکمی را نقض نمود و بهمحکم دیگری ارجاع کند اگر شخص محکوم علیه یا مدعی العموم از جهتی غیر از جهت اولی تمیز بخواهد ترتیب خواستن تمیز و رسیدگی آن در دیوان تمیز بهمان ترتیب اولی خواهد بود .

- در ماده ۴۶۳. د. ک. بشرح زیر عبارت "یا محکوم علیه" حذف میشود .  
ماده ۴۶۳ - هرگاه دادستان یا محکوم علیه بعلل و جهات سابق مجددا تقاضای فرجام نمایند موضوع در هیئت عمومی شعب کیفری دیوانعالی کشور رسیدگی می شود و در صورتیکه هیئت مزبور حکم دادگاه را از همان جهت نقض نمود دادگاه مامور رسیدگی طبق نظر هیات عمومی شعب کیفری دیوانعالی کشور اقدام خواهد کرد .  
در مورد فرجام ماهوی مقررات این ماده قابل اجرا نمی باشد .

- در ماده ۴۷۴. د. ک. بشرح زیر عبارت "استیناف یا تمیز" حذف میشود .  
ماده ۴۷۴ - هرگاه حکمی که صادر شده راجع به چند نفر محکوم علیه باشد و بعضی از آنان در مدت مقرر از حکم مذکور شکایت نمایند حکم مذکور بعد از انقضای مدت استیناف یا تمیز درباره سایر اشخاصی که شکایت نکرده اند یا به اشخاص شکایت کنند مملحق نشده اند قابل اجرا خواهد بود .

- در ماده ۴۸۵. د. ک. بشرح زیر کلمه "جنائی" حذف میشود .  
ماده ۴۸۵ - قبل از اجرای حکم اعدام آداب مذهبی توسط اشخاصی که صلاحیت دارند نسبت بهمحکوم علیه باید اجرا شود در موقع اعدام ، دادستان دادگاه جنائی و رئیس شهربانی یا نماینده آنها و پزشک و منشی دادگاه باید حاضر باشند و اگر اجرای حکم در محوطه زندان باشد رئیس زندان نیز حضور خواهد داشت وکیل محکوم علیه نیز می تواند حاضر شود - بعد از حاضر کردن محکوم علیه در محل اجرای حکم دادستان دستور اجرای حکم را میدهد و منشی دادگاه حکم را بصدای بلند قرائت میکند و سپس مباشر اجراء حکم را اجرا میکند و صورت مجلس تنظیمی با مضای حضار میرسد .

- در ماده ۲۵ قانون تشکیل محاکم جنائی (فصل ششم اصلاح موادی) عبارت " در کلیه امور جنائی " حذف میشود .

ماده ۲۵ - در کلیه امور جنائی در صورتیکه متهمین متعدد و یا معاون و شریک داشته باشند و بیک یا چند نفر از آنها دسترسی نباشد دادگاه میتواند رسیدگی را تفکیک و تکلیف متهمین حاضر را معین نماید و پرونده نسبت به غائبین مفتوح خواهد ماند .

- در مواد ۲۱ و ۲۲ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ قانون تشکیل محاکم جنائی ، کلمه "جنائی" حذف میشود .  
ماده ۲۱ - در صورتیکه دادگاه متوقیف متهم را برای عملی شدن محاکمه لازم بداند ، میتواند قرار توقیف متهم را تا ختم محاکمه در دادگاه جنائی ، صادر نماید . این قرار قابل شکایت نیست .  
ماده ۲۲ - مخارج ایاب و ذهاب و مدت توقف اشخاصی که بر حسب تقاضای متهم یا مدعی خصوصی برای ادای شهادت در دادگاه حاضر میشوند بعد از کسی است که تقاضای حضور کرده ، در این صورت رئیس دادگاه مبلغی را که لازم است تعیین مینماید و بایاد از ناحیه تقاضاکننده در صندوق دادگستری قبل از صدور احضاریه تودیع شود و الا به تقاضای احضار شهود ترتیب اثر داده نخواهد شد .

هرگاه متهم توانائی پرداخت هزینه مزبور را به تشخیص دادگاه جنائی نداشته باشد در این صورت هزینه ایاب و ذهاب و مدت توقف شهود از طرف دولت پرداخت خواهد شد و همچنین هرگاه دادگاه بنظر خود یا به درخواست دادستان احضار شاهد را لازم بداند ، مخارج ایاب و ذهاب و مدت توقف قبل از احضار از طرف دولت پرداخت خواهد شد .

ماده ۳۷ - محاکمه جنائی پس از شروع تعطیل نمی شود در صورتیکه محاکمه طولانی باشد رئیس دادگاه بقدر لزوم تنفس خواهد داد .

ماده ۳۸ - دادگاه جنائی بعد از شروع رسیدگی نمی تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و بهر حال باید رای خود را در ماهیت قضیه صادر نماید .

ماده ۴۰ - دادگاه جنائی مکلف است در صورت صدور رای بر محکومیت متهم ضمن حکم مزبور حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را با توجه به ادله و قرائن و اوضاع و احوال امر بنظر خود صادر کند . ض

تاریخ چاپ ۱۳۶۴/۲/۱

اداره کل قوانین